

تبیین اهمیت ژئوآکونومیکی قفقاز جنوبی در راستای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس

دکتر علی ولیقلی زاده* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه مراغه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

چکیده

منطقه آزاد ارس محصول کنش نظام‌های متعدّد در مقیاس‌های فضایی مختلف است که از آن به‌عنوان یکی از شش دروازه حیاتی ایران در راستای پیوند اقتصاد داخلی با اقتصاد جهانی نام برده می‌شود. به‌عبارتی، مسیر تحول این سازه فضایی - اقتصادی توسط نظام‌هایی در حال هدایت است که آن را از درون و بیرون سازمان می‌دهند و در این بین ساخت‌یابی منطقه آزاد ارس در سطح بیرونی محصول تعاملات خاص با فضاهاى پیرامونی بویژه قفقاز جنوبی است. قفقاز جنوبی از مهمترین حوزه‌های نفوذ و عملیاتی این سازه صنعتی - تجاری در بخش ترانزیت و مناسبات تجاری - اقتصادی است. بویژه آنکه این سازه تجاری - صنعتی به‌خاطر موقعیت فضایی خود در مجاورت قفقاز جنوبی از پتانسیل‌های بالایی برای تقویت همکاری‌های مشترک با این سرزمین برخوردار است. طبق نتایج این پژوهش تقویت این همکاری‌ها بویژه به‌خاطر موقعیت راهبردی قفقاز جنوبی برای ادغام با بازارهای تجاری بین‌المللی، فرصت استفاده از پتانسیل‌های خوب اقتصادهای نوظهور اما پویای قفقاز جنوبی و نیز فرصت ورود و جهت‌دهی به مناسبات تجاری - اقتصادی ایران با قفقاز جنوبی بویژه به‌خاطر ماهیت خاص این مناسبات، فرصت خوبی برای ارتقای سطح اقتصادی منطقه آزاد ارس محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ژئوآکونومی، منطقه آزاد ارس، قفقاز جنوبی، تجارت بین‌المللی، توسعه اقتصادی.

* E-mail: a_gholizadeh@hotmail.com

مقدمه

مناطق آزاد، علی‌رغم گستره فضایی محدود آنها، با توجه به فلسفه وجودی متمایز و نوع مدیریت ویژه، در صورت به‌کارگیری سیاست‌های کارا و اصولی می‌توانند در مقام کانون‌هایی خرد مقیاس، اما با نقش‌آفرینی‌های کلان اقتصادی در متن معادلات ژئواکونومیکی ظاهر شوند (Valigholizadeh & Allahverdzadeh, 2010: 153). مناطق آزاد، از پتانسیل نقش‌آفرینی در سطوح مختلف فضایی (محلی، ملی، فراملی و حتی جهانی) برخوردار هستند که دایره نفوذ و سطح موفقیت آنها در این سطوح فضایی را کارکردها و میزان موفقیت آنها در تعریف، اجرا و حفظ علت وجودی و کارکردی ویژه آن مناطق مشخص می‌کند. به عبارتی، وزن ژئواکونومیکی مناطق آزاد، قبل از هر چیزی در متن علت وجودی آن مناطق شکل می‌گیرد (Valigholizadeh, 2009: 55). به‌گونه‌ای که نقش فضایی این مناطق در پیوند و اتصال اقتصاد داخلی با اقتصادهای فراملی، جهانی بهترین تبیین برای نقش ژئواکونومیکی مناطق آزاد است. حتی، نقش مناطق آزاد در همگرایی و فعالیت‌های مشترک اقتصادی دولت‌های متفاوت بویژه دولت‌های همجوار، می‌تواند در ایجاد صلح و امنیت منطقه‌ای نیز نقش بارزی ایفا نماید و به شکل‌گیری و تأسیس همگرایی اقتصادی هم بیانجامد.

از جمله مناطق آزاد ایران که می‌شود برای آن نقش ژئواکونومیکی در حوزه فعالیت‌های تجاری - اقتصادی متصور بود، منطقه آزاد ارس است که در محدوده شمال غرب ایران در ابتدای رسالت کارکردی خود قرار دارد. این سازه تجاری - صنعتی دایره نفوذ و عملیاتی خود در بخش ترانزیت و مناسبات تجاری - اقتصادی را بیشتر در قفقاز جنوبی، و سرزمین‌های پیرامونی تمرکز داده است و به‌خاطر موقعیت فضایی ویژه خود در همجواری قفقاز جنوبی، از پتانسیل‌های بالایی برای ارتقای سطح عملکردی خود در این حوزه برخوردار است که در این ارتباط، می‌توان به پیوستگی‌های ژئوپلیتیکی (فرهنگی، تاریخی، قومی، زبانی، امنیتی و...) شمال غرب ایران با سرزمین‌های پیرامونی بویژه و در عین حال موقعیت ژئواکونومیکی شمال غرب ایران در مقام دهلیز مواصلاتی کریدورهای ارتباطی شمال - جنوب و شرق - غرب اشاره کرد که منطقه آزاد ارس در راستای علت وجودی خود، در قلب جغرافیایی این حوزه می‌تواند از

نقش آفرینی‌های ژئواکونومیکی بالایی برخوردار باشد. اگرچه نقش موفق و ارتقای موقعیت هر سازه فضای - اقتصادی کاملاً در گرو ارتباطات قوی با فضاهای مجاور است که می‌توان از آنها تحت عنوان فضاهای مکمل یاد کرد.

در این بین، از میان مهمترین فضاهای مکمل در دایره نفوذ منطقه آزاد ارس قطعاً می‌توان از قفقاز جنوبی در مقام فضای مکمل ویژه نام برد. بویژه آنکه پیدایش جمهوری‌های قفقاز جنوبی از دل اتحاد شوروی در سال‌های پس از استقلال باعث ایجاد مناسبات نوین اقتصادی و سیاسی در قلب جغرافیایی اوراسیا بوده که ظهور بازارهای جدید تجاری - اقتصادی از مهمترین ویژگی‌های این مناسبات محسوب می‌شود. در این میان، جمهوری اسلامی ایران در موقعیت دولت همجوار با قفقاز جنوبی، از بیشترین امکان و موقعیت ویژه‌ای برای تسخیر هر چه گسترده بازارهای این سرزمین برخوردار بود است، موقعیتی که به هر دلیلی تاکنون در متن غفلت ژئوپلیتیکی ایران در این حوزه امکان بهره‌گیری مناسب از آن فراهم نشده است (Poordadash, 2008: 121).

با این حال، ایران در راستای جبران این موقعیت، از پتانسیل‌های خوبی بهره می‌برد که از مهمترین آنها وجود منطقه آزاد ارس در همجواری قفقاز جنوبی است. این پتانسیل، به دلیل موقعیت راهبردی قفقاز جنوبی، اقتصادهای نوظهور اما پویای این سرزمین و نیز ماهیت خاص مناسبات تجاری - اقتصادی ایران با این حوزه و خلأهای موجود در متن مناسبات تجاری که می‌توان آنها را از مجرای مناسبات تجاری منطقه آزاد ارس جبران کرد، به صورت ویژه اهمیت ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در جهت ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس را مطرح می‌سازد. در این ارتباط، پرسش مطرح این است که در سطح کلان اهمیت ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی برای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس چیست؟

روش تحقیق

روش تحقیق با توجه به طبیعت پژوهش توصیفی - تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات اسنادی اعم از کتب، مجلات و نشریات، ارقام خام آماری، جستجوی

اینترنتی و اسناد منتشره در ارتباط با چارچوب پژوهش است. با توجه به آنکه کارکرد مناطق آزاد در مقام سازه‌های فضایی - اقتصادی در ارتباط با فضاها، پیرامونی و ویژگی‌ها، پتانسیل‌ها و محدودیت‌های آنها و بویژه فرآیندها و مناسبات فضایی پیرامونی قابل تحلیل است، در این پژوهش، تلاش می‌شود تا با استفاده از بررسی‌ها و تحلیل‌هایی پیرامون اهمیت راهبردی، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقتصادی قفقاز جنوبی و همچنین ماهیت مناسبات تجاری بین ایران و این سرزمین، با بهره‌گیری از مفهوم ژئواکونومی و از طریق استدلال‌های قیاسی اهمیت ژئواکونومیک قفقاز جنوبی در راستای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس مورد تبیین قرار گیرد.

مباحث نظری

امروزه ژئواکونومی در جهت‌دهی به مناسبات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی از نقش مهمی برخوردار است. هدف ژئواکونومیک، جهت‌دهی به رقابت دولت‌ها در دنیای اقتصاد و رقابت در نظام نوین جهانی است. در ژئواکونومی اقتصاد در مقابل سیاست دارای اهمیت ویژه‌ای است. اقتصاد محور اصلی تعیین منافع حیاتی و راهبردی دولت‌ها است و به‌عبارتی راهبردها در این بستر شکل می‌گیرد. در همین ارتباط، اتحادها یا منازعات اقتصادی جایگزین همگرایی‌های سیاسی بین دولت‌ها شده و در واقع منافع مشترک اقتصادی در ارجحیت قرار می‌گیرد (Inan, 2011: 82).

ژئواکونومی شیوه و راهنمای تجارت است. از این لحاظ، رشد تولید ناخالص داخلی، ترازهای تجاری، ذخایر ارزی و سرمایه‌گذاری خارجی متغیرهای مهم در ارزیابی توازن قدرت بین دولت‌ها هستند (Khanna, 2012: 3). ژئواکونومی با تصویر بزرگی از قلمرو تجربی بازارها در ارتباط است (Cowen & Smith, 2009: 38). ژئواکونومی از طریق کنترل بر بازارهای جهانی در پی کنترل بر فضاها، سیاسی - اقتصادی است (Ibid: 42). هدف ژئواکونومی در برتری مناسبات تجاری دولت‌ها نهفته است. در ژئواکونومی دولت‌ها در تلاش هستند تا گرایش‌های غالب اقتصادی - تجاری را در راستای منافع خودشان تغییر دهند. بنابراین دولت‌ها در این مسیر به‌خاطر آنکه رقابت تهدیدی بر علیه امنیت ملی محسوب

می‌شود در مقابل رقابت اقتصادی نابرابر بین‌المللی از تمام منابع خود بهره می‌گیرند. به عبارتی دولت‌ها مجبور هستند با استفاده از چنین روشی در طرح‌ریزی نظام اقتصادی خود، فرصت‌ها را برای رقابت خارجی محدود کنند (Książkowski, 2012: 107).

به عبارتی، در دنیای ژئواکونومی، همزمان با تأثیرات روزافزون جهانی‌شدن، دولت‌ها برای تدام حیات خود مجبور هستند که در این عرصه رقابت جایی برای خود باز کرده و توان رقابتی خود را شکل دهند. در این ارتباط، از مهمترین معیارهای ایجاد این توان رقابتی نقش دولت‌ها در دایره تجارت جهانی است و دولت‌ها به صورت ویژه ملزم به ایفای آن هستند. حال، حاصل این جریان و یکی از راه‌ها و راهبردهای ویژه برای گذر از روند موجود ایجاد مناطقی در شکل و ماهیت ابزارهای اقتصادی است که معمولاً از این مناطق با عنوان مناطق آزاد یاد می‌شود (İnan, 2007: 1). در واقع مناطق آزاد از مهمترین راهبردهای توسعه‌ی اقتصادی است که تجارب موفق آن با دستاورد خوبی برای جوامع در حال پیشرفت همراه بوده است (Shakeri & Salimi, 2005: 102).

کارشناسان علت وجودی مناطق آزاد را تأمین کمبودهای توسعه‌ی اقتصاد ملی، بهره‌گیری از مزایا، پتانسیل‌ها و برتری‌های نسبی اقتصاد ملی، برقراری ارتباط منظم بین اقتصاد داخل و اقتصاد جهانی و ادغام اقتصاد داخل در اقتصاد جهانی، ورود به اقتصاد آزاد و بازارهای جهانی، جذب سرمایه خارجی، بسط تجارت خارجی، رونق صادرات، ایجاد فرصت‌های شغلی، ارتقای سرزمینی بویژه توجه به نواحی محروم و رفع نابرابری‌های سرزمینی تعریف می‌کنند. بنابراین ظاهراً ایجاد مناطق آزاد در راستای گرایش‌های جهانی بوده و این راهبرد کشورهای خارج از نظام اقتصادی جهانی را قادر می‌سازد تا به تدریج با فراهم آوردن ملزومات ادغام در اقتصاد جهانی، زمینه را برای ورود به این حوزه آماده نمایند (Polat, 2012: 32). شکل‌گیری این مناطق علاوه بر ارتقاء ضریب آمادگی اقتصادی در حوزه ژئواکونومی، به‌نحو قابل‌توجهی در عمران و آبادانی مناطق برخوردار مؤثر است. همچنین، رویکرد ژئواکونومی، به‌کارگیری مناطق آزاد در حوزه سیاست خارجی، از مهمترین راهبردهای تسریع در جریان همگرایی اقتصادی محسوب می‌شوند (Arslan & Yapraklı, 2007: 170). این مناطق، به‌عبارتی دروازه ارتقاء

برای دولت‌هایی هستند که در حوزه [ژئواکونومی] با ماهیت جهت‌دهی اقتصادی خود آشنا هستند (Haywood, 2004).

داده‌ها و یافته‌های پژوهش

اهمیت راهبردی قفقاز جنوبی

قفقاز جنوبی سرزمینی است بین دریای سیاه و دریای خزر که به‌لحاظ فرهنگی - تمدنی دارای پیشینه کاملاً تاریخی و باستانی است. موقعیت گذرگاهی و مواصلاتی این سرزمین در طول تاریخ آن را به محل برخورد فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف تبدیل کرده است. قفقاز جنوبی حائل بین فرهنگ‌های مهم پیرامونی یعنی روسی، ترکی و فارسی است. این سرزمین را می‌توان سرحد بین امپراتوری‌های ایران، عثمانی و روس در طول تاریخ و سرحد فعلی بین قدرت‌های رقیب همجوار یعنی ایرانی‌ها، ترک‌ها، و روس‌ها در نظر گرفت (Afshordi, 2002: 79-80). مهمترین ویژگی این حوزه در نظام جهانی کارکرد ژئواستراتژیکی آن در عرصه رقابت بین قدرت‌های پیرامونی و قدرت‌های بین‌المللی است. قفقاز جنوبی در تأمین انرژی و انتقال آن به بازارهای تجاری بین‌المللی از شاه‌راه‌ها و شریان‌های کاملاً راهبردی اقتصاد جهان است. قفقاز جنوبی در ژئواکونومی تجارت و اقتصاد جهان بین‌الملل در موقعیت تقاطعی کاملاً راهبردی کریدورهای مواصلاتی و ارتباطی شرق - غرب و شمال - جنوب جای دارد. همچنین، این سرزمین در عرصه رقابت‌های ژئواستراتژیکی قدرت‌های بین‌المللی، در مقام دروازه ورودی و خروجی اوراسیای مرکزی نقش‌آفرین است.

قفقاز جنوبی به‌خاطر موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی خود همواره از کانون‌های مورد توجه قدرت‌های بین‌المللی بوده است. قبل از فروپاشی اتحاد شوروی مهمترین ویژگی ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی نقش‌آفرینی آن در مقام بزرگترین گذرگاه ارتباطی شوروی از طریق ایران و دریای سیاه با دنیای خارج و همچنین نقش‌آفرینی راهبردی آن در مقام سپر دفاعی جهان کمونیستی در مقابل جهان کاپیتالیستی محسوب می‌شد. اما، بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، با توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی نوین قفقاز جنوبی و فضاها

پیرامونی همچون رژیم حقوقی خزر، نقش قفقاز جنوبی در ارسال منابع انرژی دریای خزر و اوراسیای مرکزی به بازارهای بین‌المللی، موقعیت مواصلاتی و ارتباطی قفقاز جنوبی در بین مناطق ژئوپلیتیکی پیرامونی و به تبع آن پیوستگی و تعلقات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی با آن مناطق ژئوپلیتیکی، ظهور تعلقات نوین قدرت‌های بین‌المللی در قفقاز جنوبی، جغرافیای سیاسی پیچیده و در هم آمیخته قومی - زبانی این سرزمین و نیز پیوستگی‌های فرهنگی آن با مناطق پیرامونی، مناقشات ژئوپلیتیکی این سرزمین، قدرتمندی نیروهای واگرا و ماهیت خاص رفتاری دولت‌های قفقاز جنوبی در مناسبات سیاسی و اقتصادی متقابل و نیز با دولت‌های بین‌المللی، نوع الگوی ژئوپلیتیکی حاکم بر این سرزمین، قفقاز جنوبی نقش‌آفرینی ویژه‌ای در معادلات ژئوپلیتیکی - ژئواکونومیکی بین‌المللی ایفا می‌کند (Valigholizadeh, 2009: 456).

اهمیت ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی

پتانسیل‌های اقتصادی جمهوری آذربایجان

ساختار اقتصاد آذربایجان ترکیبی از فعالیت‌های دولتی و اقتصاد بازار آزاد است. بزرگترین پتانسیل‌های اقتصادی آذربایجان منابع گسترده نفت و گاز طبیعی، اراضی حاصلخیز کشاورزی و تأسیسات بزرگ صنعتی باقی از دوران اتحاد شوروی است (DEİK, 2003: 3). اقتصاد آذربایجان پس از اتمام جنگ با ارمنستان، علی‌رغم یک دوره بی‌ثبات در روند ورود به نظام اقتصاد بازار آزاد (DEİK, 2007: 2)، به تدریج با افزایش درآمدهای حاصل از قراردادهای نفتی بین‌المللی، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، پشتیبانی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و همچنین مساعدت دولت‌های اروپایی (TREWG, 2005: 5-6) با افزایش ثبات نسبی همراه بوده است.

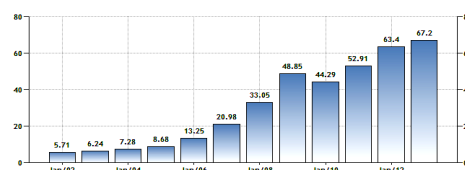
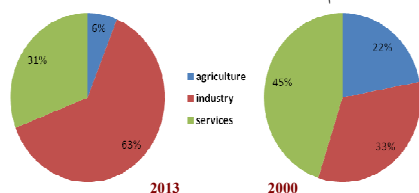
اقتصاد آذربایجان در دو بخش کلی قابل ارزیابی است؛ بخش انرژی و بقیه اقتصاد آذربایجان. بخش انرژی در مقام ستون اصلی اقتصاد آذربایجان، با جذب حجم وسیعی از سرمایه‌های خارجی، طی سال‌های اخیر همواره بیش از ۸۰٪ درآمد صادراتی آذربایجان را به‌خود اختصاص داده است (Gül, 2007: 42). همچنین، صنعت از بخش‌های مهم اقتصاد

آذربایجان است و این جمهوری با داشتن منابع طبیعی غنی دارای صنایع متعدد پتروشیمی، شیمیایی و نیز ماشین‌سازی است (Asadikia, 1995: 67). حتی در آذربایجان با احتساب صنعت در مقام بنیان اصلی اقتصاد نوظهور، این جمهوری در حال پیشروی تدریجی اقتصادی است و دورنمای اقتصادی آن روشن است. حتی آذربایجانی‌ها در صدد ایجاد مرکز تجاری خزر (دوبی خزر) در سواحل دریای خزر می‌باشند (Momeni, 2005: 14).

پس از استقلال آذربایجان، به‌رغم تأکید دولت در بخش اقتصادی بر ارتقای فعالیت‌های نفتی، این جمهوری با مساعدت بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و با اجرای خصوصی‌سازی و واگذاری اراضی زراعی به کشاورزان و پشتیبانی مالی در صدد ارتقای بخش کشاورزی هم بوده است. این جمهوری کشاورزی خوبی دارد و حتی در گذشته آذربایجان ۱۰٪ تولید خالص کشاورزی اتحاد شوروی را تأمین می‌کرد (Asadikia, 1995: 64). آذربایجان پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در شرایطی استقلال خود را به‌دست آورد که منابع انرژی آماده متحول ساختن آن بود و آذربایجان می‌توانست از این ثروت غنی در جهت آبادانی و ارتقای سرزمینی خود قدم بردارد. حتی اقتصاد این جمهوری به‌رغم وابستگی شدید به تجارت انرژی، با شناسایی منابع غنی انرژی در دریای خزر، به شخصیت جدید ژئواکونومیکی هم رسیده و در موقعیت فعلی منابع نفتی مهمترین عامل جغرافیایی - اقتصادی در تبیین تعاملات و مناسبات سیاسی آذربایجان با دیگر دولت‌های پیرامونی و بین‌المللی محسوب می‌شود.

در مجموع، ارزیابی موقعیت اقتصادی آذربایجان پس از استقلال، آن را جزو اقتصادهای نوپا اما نسبتاً پویا در جهان نشان می‌دهد؛ حتی اقتصاد آذربایجان با رشد ۴۰٪ در سال ۲۰۰۶ دارای رکورد خوب تاریخی در جهان اقتصادی است. اقتصاد آذربایجان در مسیر کاملاً صعودی خود با ثبت رقم ۶۷/۲ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی بیانگر ۲۱۰۰٪ رشد در قیاس با ضعیف‌ترین زمان و ارتقاء ۲۲۰ برابری توان اقتصادی در دوره پس از استقلال است. حتی آذربایجان در موقعیت فعلی بزرگترین اقتصاد قفقاز جنوبی محسوب می‌شود.

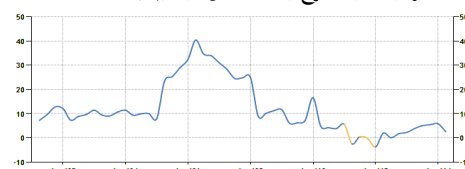
نمودار شماره ۱: تولید ناخالص داخلی در آذربایجان - میلیارد \$ نمودار شماره ۲: سهم بخش‌های مختلف در تولید ناخالص داخلی آذربایجان



نمودار شماره ۴: ویژگی‌های تولید ناخالص داخلی آذربایجان

GDP	Last	Previous	Highest	Lowest
GDP	67.20	63.40	67.20	3.05
GDP Annual Growth Rate	2.50	5.80	40.40	-3.80

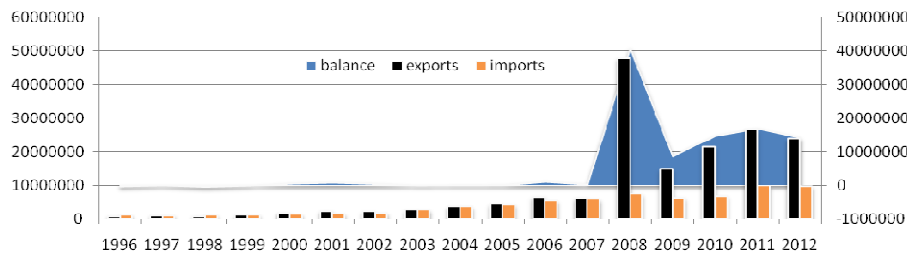
نمودار شماره ۳: نرخ رشد اقتصادی در آذربایجان



منبع: (<http://www.tradingeconomics.com/azerbaijan/gdp-growth-annual>)

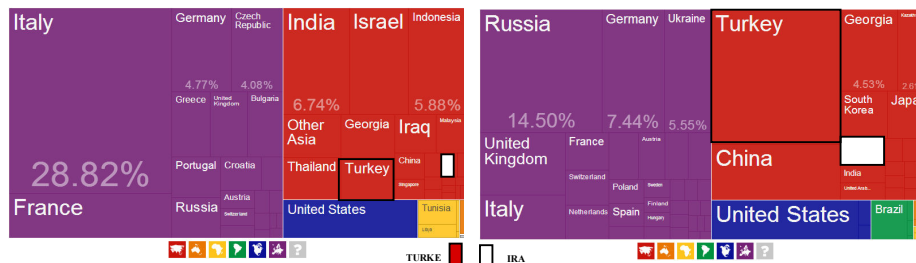
آذربایجان برخلاف دیگر دولت‌های قفقاز جنوبی و حتی CIS که بخش خدمات فعال‌ترین بخش اقتصادی آنها است، تنها دولت در این حوزه جغرافیایی است که اقتصاد صنعتی آن با ۶۳٪ در جریان تولید ناخالص داخلی نقش دارد. همچنین، دورنمای مناسبات تجاری-اقتصادی آن با جهان از طبیعت کاملاً صعودی برخوردار است. حتی تراز تجاری آذربایجان در سال‌های اخیر همواره مثبت بوده است. در متن این مناسبات در سال ۲۰۱۳، ایتالیا، فرانسه، اندونزی، آلمان، اسرائیل و آمریکا بزرگترین شرکای تجارت صادراتی آذربایجان بوده و در آن سوی این مناسبات ترکیه، روسیه، چین، آلمان، انگلستان در مقام بزرگترین شرکای تجارت وارداتی آذربایجان، مهمترین مجاری مواصلاتی اقتصاد جهان با این اقتصاد نوپا هستند. اما ظاهراً در دایره پخش فضایی مناسبات تجاری آذربایجان با جهان، به‌لحاظ رقابتی ایران در مقابل ترکیه در موقعیت مناسبی نیست.

نمودار شماره ۵: مناسبات تجاری جمهوری آذربایجان با جهان - هزار \$



منبع: (http://www.eclac.org/comercio/ecdata2/index.html) - ترسیم: نگارنده

نمودار شماره ۷: مهمترین شرکای تجارت وارداتی آذربایجان - ۲۰۱۲ نمودار شماره ۶: مهمترین شرکای تجارت صادرات آذربایجان - ۲۰۱۲



منبع: (http://atlas.media.mit.edu)

منبع: (http://atlas.media.mit.edu)

مناسبات تجاری - اقتصادی ایران با جمهوری آذربایجان

مناسبات تجاری- اقتصادی خارجی، از عوامل بسیار مهمی است که موقعیت و نفوذ اقتصادی- بین‌المللی دولت‌ها را در جهان سیاسی و ژئوپلیتیکی مشخص می‌کند (Bayramov, 1998). با این حال، برقراری عمیق این مناسبات بین دولت‌ها مستلزم وجود بسترها و زمینه‌های هم‌تکمیلی است. بسترهای هم‌تکمیلی در برقراری مناسبات تجاری در مقام ظرف شکل‌دهنده مناسبات عمل کرده و زمینه‌های هم‌تکمیلی نیز محتوای اصلی مناسبات تجاری بین دولت‌ها را شکل می‌دهند. مناسبات تجاری- اقتصادی ایران با آذربایجان نیز از این امر مستثنی نیست. در مناسبات تجاری طرفین، اشتراکات تاریخی، فرهنگی و وابستگی‌های جغرافیایی- اقتصادی (ژئواکونومیک) در مقام بسترهای هم‌تکمیلی به ایفای نقش می‌پردازند.

از مهمترین زمینه‌های همکاری بین طرفین، همکاری در بخش صنعت انرژی و انتقال آن

است که در این حوزه به‌خاطر موقعیت و تجارب تاریخی- فنی و تجاری طرفین در تولید انرژی، موضوع استخراج و پالایش و بازاریابی منابع انرژی دریای خزر و انتقال آن به بازارهای جهانی بستر همکاری وسیعی را بین طرفین فراهم می‌سازد. قطعاً اقتصادی‌ترین روش هم برای انتقال انرژی خزر به بازارهای بین‌المللی انتقال یا سوآپ آن از طریق سرزمین ایران است (Taghavi-e Asl, 2005: 136). از دیگر بخش‌های مهم در همکاری‌های طرفین می‌توان از موقعیت متقابل ترانزیتی طرفین نام برد. به‌عبارتی، از طرفی آذربایجان، بازار تجاری ایران را به بازارهای CIS پیوند می‌دهد و متقابلاً ایران مهمترین محور ارتباطی- مواصلاتی بازار تجاری آذربایجان با بازارهای پیرامون خلیج فارس و جنوب آسیا محسوب می‌شود.

با توجه به وجود بسترها و زمینه‌های هم‌تکمیلی، پس از استقلال آذربایجان، به‌وضوح می‌توان تأثیر آنها را در مناسبات تجاری- اقتصادی طرفین مشاهده کرد. حتی آذربایجان همواره در بخش صادرات ایران به حوزه CIS در رتبه نخست بوده است. اگرچه مناسبات تجاری- اقتصادی طرفین در برخی از سال‌ها با افت محسوسی همراه بوده است که از مهمترین علل آن می‌توان به جریان نامطلوب مناسبات سیاسی اخیر طرفین، تنش‌های سیاسی در ارتباط با جنگ قره‌باغ، راه ندادن ایران در معاهدات بزرگ بین‌المللی نفت آذربایجان و نیز اختلافات طرفین درباره نحوه استفاده و تقسیم منابع اقتصادی دریای خزر اشاره کرد. در عین حال، این مشاجرات و چالش‌های سیاسی تنها عامل مهم در روند مناسبات تجاری طرفین نیست؛ در واقع پس از استقلال آذربایجان، به‌رغم راهیابی زودهنگام تجار ایرانی در بخش‌های مختلف اقتصادی آن، با ورود کالاهای بازیگران رقیب و شروع فعالیت اقتصادی آنها، نقش‌آفرینی کالاهای ایرانی در این بازار اقتصادی و رقابتی نوین در قیاس با پتانسیل‌های اقتصادی ایران موفق نبوده است.

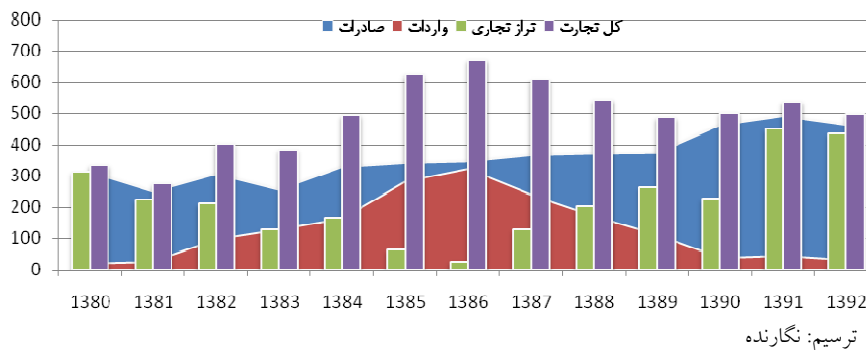
به‌عبارتی، پس از تثبیت نسبی اوضاع سیاسی و اقتصادی، گرایش ورود به بازار تجاری آذربایجان بیشتر می‌شود و در نتیجه رقبا با توان اقتصادی هنگفتی وارد بازار آذربایجان شده و در این رقابت ژئواکونومیکی کاملاً فشرده بیشتر تجار خرده‌پای ایرانی از دور رقابت کنار می‌روند (Guide exports to Azerbaijan, 2006: 91). در همین ارتباط، حتی به‌رغم آنکه

در آذربایجان در پی تلاش‌های سیاسی دولت برای ایجاد نوعی توازن و تعادل فضایی-ژئواکونومیکی در تثبیت مناسبات بین‌المللی تجاری - اقتصادی و حتی سیاسی، هر نوع فعالیت تجاری- اقتصادی در اختیار بازیگران معروفی از اقصی نقاط جهان است و در این بین برخی دولت‌ها همچون ترکیه در مناسبات تجاری آذربایجان از موقعیت ویژه‌ای برخوردار هستند، اما، مناسبات ایران و آذربایجان علی‌رغم پیوندهای تاریخی، فرهنگی و تعلقات ژئوپلیتیکی عمیق بین طرفین زیاد رضایت بخش نیست (Valigholizadeh, 2011).

در مجموع، به‌رغم افت و خیز بالای مناسبات سیاسی طرفین، پس از استقلال آذربایجان به‌دلیل الزامات ژئوپلیتیکی خود، همسایگی با ایران و تشابهات تاریخی- فرهنگی، در قیاس با دیگر دولت‌های قفقاز جنوبی مناسبات تجاری گسترده‌ای با ایران داشته است. اگرچه فعلاً، به‌رغم افزایش نسبی سطح مناسبات تجاری، ایران در مناسبات تجاری- اقتصادی این جمهوری، به دلایل متعددی جایگاه پیشین خود را از دست داده است. حتی به‌رغم آنکه بخش اصلی مناسبات تجاری ایران در قفقاز جنوبی با آذربایجان می‌باشد؛ اما، ایران در این بازار تجاری به‌لحاظ رقابتی با رقبای بین‌المللی خود بویژه ترکیه فاصله زیادی دارد. فعلاً به‌رغم کاهش ۱۱٪ سطح مناسبات تجاری طرفین با ثبت ۴۹۶ میلیون دلار در قیاس با ۶۷۰ میلیون دلار سال ۱۳۸۶ (بالاترین سطح ثبت شده در تجارت متقابل)، مهمترین ویژگی مناسبات تجاری طرفین، تراز تجاری مثبت برای ایران است. در سال ۸۶، واردات ایران از آذربایجان به ارزش ۳۲۲ میلیون دلار بوده است که این میزان در همان سال حدود ۸۹٪ از مجموع واردات ایران از قفقاز جنوبی است. برخلاف این موضوع، واردات ایران در سال‌های اخیر با ثبت ارقام ۳۷ و ۴۴ و ۳۱ میلیون دلار در قیاس با سال ۱۳۸۶، با بیش از ۸۸ و ۸۶ و ۹۰٪ کاهش همراه است. اما موضوع زیاد مهم در مناسبات تجاری طرفین، افزایش ۵۷٪ واردات آذربایجان از ایران در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۸۰ است که این موضوع با ثبت رکورد تقریبی ۴۹۳ میلیون دلار محقق شده است. این رقم در آن سال بیش از ۶۸٪ از کل صادرات ایران به قفقاز جنوبی است. حال با این شرح، طبق تحلیل‌های آماری و توصیفی از طبیعت مناسبات تجاری متقابل، به‌رغم نزول موقعیت تجاری آذربایجان در بین شرکای تجاری ایران، هیچ شکلی در اهمیت

اقتصادی ویژه این جمهوری برای ایران در مناسبات تجاری با قفقاز جنوبی قابل قبول نیست.

نمودار شماره ۸: تجارت خارجی ایران با جمهوری آذربایجان - میلیون \$



پتانسیل‌های اقتصادی ارمنستان

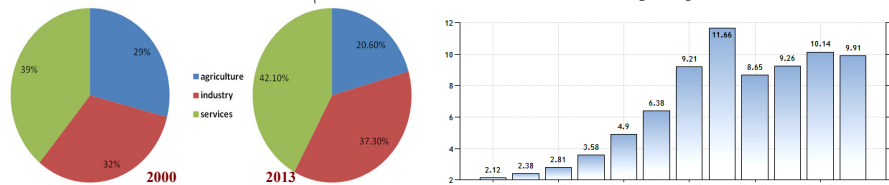
اقتصاد ارمنستان اقتصادی دولتی است که پیش از فروپاشی شوروی با پشتیبانی سرمایه‌گذاری‌های کلان شوروی فعالیت می‌کرد. اما پس از استقلال با خروج سرمایه‌های شوروی، بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی توان عملیاتی خود را از دست دادند و همزمان شروع بحران قره‌باغ و بازتاب‌های ژئوپلیتیکی - امنیتی آن باعث تعمیق وابستگی اقتصادی ارمنستان به خارج و رکود آن شد. در واقع با توجه به کوهستانی بودن ارمنستان، این جمهوری از بنیان‌های مستعد رشد کشاورزی برخوردار نیست و به همین دلیل، در دوران اتحاد شوروی در برنامه‌ریزی اقتصادی ارمنستان به بخش صنعتی بیش از کشاورزی توجه شده و اکثر تلاش‌ها در جهت صنعتی‌کردن هر چه بیشتر آن بوده است. در عین حال، صنعت توریسم از دیگر پتانسیل‌های بالقوه ارمنستان محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر با نرخ قابل توجهی در حال رشد بوده است. علی‌رغم این، از تنگناهای اصلی اقتصادی این جمهوری وابستگی شدید به واردات انرژی از خارج است؛ بویژه آنکه ارمنستان در این زمینه به‌خاطر بازتاب‌های ژئوپلیتیکی - امنیتی بحران قره‌باغ با چالش‌های خاص ژئوپلیتیکی در مناسبات تجاری با طرف‌های مقابل همراه است (Valigholizadeh, 2009: 126).

مهمترین ویژگی فعلی اقتصادی ارمنستان، اقتصاد در حال تحول است؛ در واقع نظام

اقتصادی ارمنستان همچون بیشتر جمهوری‌های شوروی در حال انتقال از نظام سوسیالیستی و دولتی به نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد است. بنابراین مهمترین تلاش اقتصادی ارمنستان واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی و تشویق آنها در ایفای نقش بزرگتر در اقتصاد ملی است (ECCIMA, 2008).

از مهمترین چالش‌های اقتصاد ارمنستان وجود حجم قابل توجهی از اقتصاد زیرزمینی است. در ارمنستان، اقتصاد زیرزمینی نیمی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. حتی مشکلات حاصل از افزایش اقتصاد زیرزمینی مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی و حامیان مالی ارمنستان هم قرار گرفته است. در واقع به‌رغم آنکه اقتصاد ارمنستان در دوره انتقال دگرگونی نظام‌مندی را تجربه کرده و با شروع و تقویت خصوصی‌سازی نظام نوینی در بخش مناسبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این جمهوری در حال شکل‌گیری است، اما طی همین دوره به‌خاطر تغییر شرایط اقتصادی، حجم اقتصاد زیرزمینی در حال افزایش است و ظاهراً این بخش از اقتصاد تأثیرات کاملاً مخربی در ارتقای اقتصادی ارمنستان بر جای خواهد گذاشت. بویژه آنکه به‌خاطر ویژگی‌های خاص اقتصادهای در حال انتقال و نیز دشواری‌های اقتصادی اجتماعی، تخمین حجم این اقتصاد و تأثیر آن بر کل فعالیت‌های اقتصادی کاملاً سخت است.

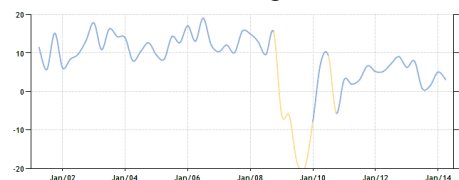
نمودار شماره ۹: تولید ناخالص داخلی در ارمنستان - میلیارد \$ نمودار شماره ۱۰: سهم بخش‌های مختلف در تولید ناخالص داخلی ارمنستان



نمودار شماره ۱۲: ویژگی‌های تولید ناخالص داخلی ارمنستان

GDP	Last	Previous	Highest	Lowest
GDP	9.91	10.14	11.66	1.20
GDP Annual Growth Rate	3.10	5.10	19.10	-19.70

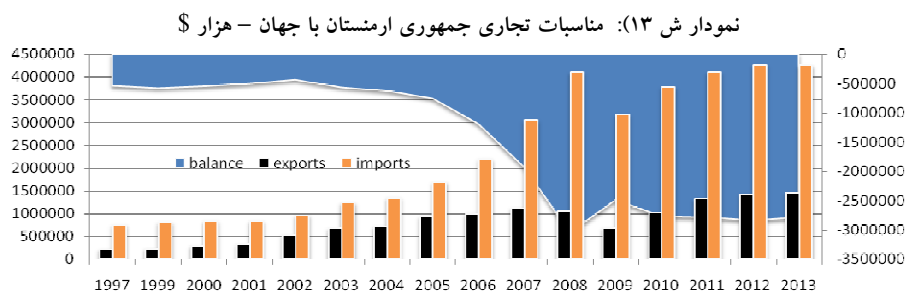
نمودار شماره ۱۱: نرخ رشد اقتصادی در ارمنستان



منبع: (<http://www.tradingeconomics.com/armenia/gdp-growth-annual>)

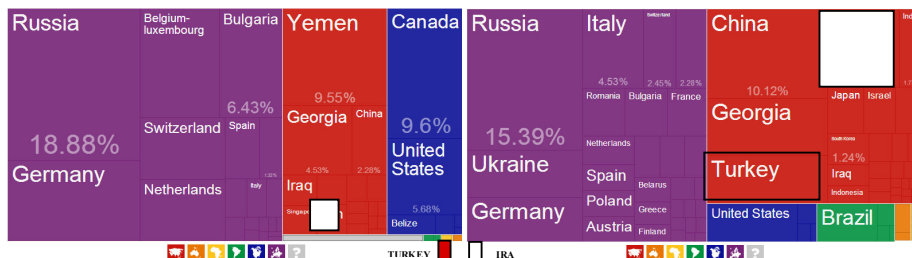
در مجموع، اقتصاد ارمنستان، به‌رغم رشد بالای تولید ناخالص داخلی در سال‌های پس از استقلال، بویژه در سال‌های نخست و سال‌های اخیر با نوسان بالایی همراه بوده است. اقتصاد ارمنستان، علاوه بر بی‌ثباتی فعلی با ثبت ۱۱/۶ میلیارد دلار بالاترین میزان تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۹ ضعیف‌ترین اقتصاد قفقاز جنوبی است. مهمترین ویژگی تولید ناخالص داخلی ارمنستان رکود نسبی (بیشترین تغییر افزایشی با ۱۵٪ در بخش صنعت) در مشارکت بخش‌های مختلف اقتصادی در جریان تولید ناخالص داخلی است. با این حال، ظاهراً در صورت رهایی ارمنستان از انزوای جغرافیایی - اقتصادی، دورنمای اقتصاد صنعتی آن بویژه به‌خاطر تجارب پیشین صنعتی از پتانسیل خوبی برای ارتقاء برخوردار است. همچنین، دورنمای مناسبات تجاری - اقتصادی ارمنستان با جهان از طبیعت کاملاً صعودی برخوردار است. با این حال تراز تجاری ارمنستان هیچ وقت مثبت نبوده است. به‌عبارتی، اقتصاد ارمنستان کاملاً وارداتی است و وابستگی ویژگی اصلی آن است. اگرچه تحلیل‌های آماری افزایش یکسانی در روند صادرات و واردات ارمنستان نشان می‌دهند، اما ارزش تجاری واردات در قیاس با جریان صادرات خیلی زیاد است. در متن این مناسبات تجاری در سال ۲۰۱۳ روسیه، آلمان، کانادا، در مقام بزرگترین

شرکای تجارت صادراتی ارمنستان و متقابلاً روسیه، چین، گرجستان، ترکیه، ایران و اوکراین در مقام بزرگترین شرکای تجارت وارداتی ارمنستان، مهمترین مجاری مواصلاتی اقتصاد جهان با اقتصاد ارمنستان هستند. در این بین ظاهراً در دورنمای قیاسی از مناسبات تجاری ارمنستان با جهان، اگرچه ترکیه هیچ وارداتی از ارمنستان ندارد، اما در بخش واردات ارمنستان، به لحاظ رقابتی ایران پس از ترکیه قرار دارد.



منبع: (http://www.eclac.org/comercio/ecdata2/index.html) - ترسیم: نگارنده

نمودار شماره ۱۵: مهمترین شرکای تجارت وارداتی ارمنستان - ۲۰۱۲ نمودار شماره ۱۴: مهمترین شرکای تجارت صادرات ارمنستان - ۲۰۱۲



منبع: (http://atlas.media.mit.edu)

منبع: (http://atlas.media.mit.edu)

مناسبات تجاری - اقتصادی ایران با ارمنستان

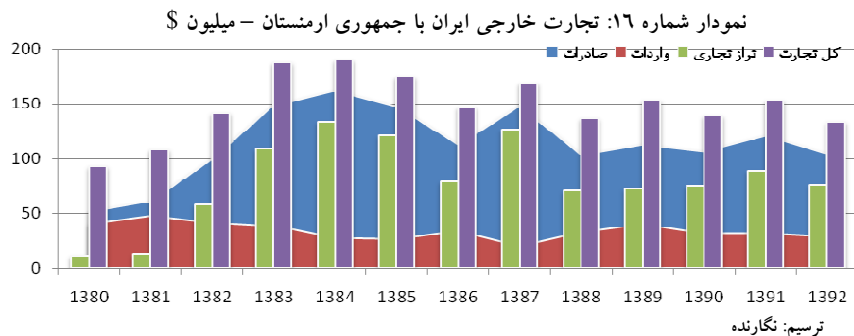
واقعیت‌های ژئوپلیتیکی ارمنستان نقش مهمی در ایجاد بنیان‌های راهبردی مناسبات تجاری - اقتصادی این جمهوری با ایران بر عهده دارند. کاملاً واضح است که انزوای جغرافیایی - ژئوپلیتیکی، ارمنستان را در جهت‌دهی مناسبات تجاری به سوی ایران کشانده است. در مقابل به‌خاطر نگرانی‌های ایران از تقویت نفوذ ترکیه در قفقاز جنوبی، تعمیق مناسبات طرفین بویژه

در سطح تجاری کاملاً از توجیه ژئوپلیتیکی برخوردار است (Sadeghzadeh, 2008: 3). حتی، ارمنستان در ارتباط با ژئواکونومی انتقال انرژی از اهمیت زیادی برای ایران برخوردار است (Novikov, 2000: 61). بویژه آنکه انرژی مهمترین بخش همکاری بین طرفین است و ارمنستان همزمان با تنگنای سرزمینی - مواصلاتی برای ارتباط با فضای بین‌الملل، جهت رفع این تهدید و وابستگی مشتاق ارتقای مناسبات تجاری با ایران است (Khachaturian, 2002: 28). همچنین ارمنستان از زمان استقلال به‌خاطر موضع خاص ایران در ارتباط با بحران قره‌باغ همواره خواستار ارتقای روابط با ایران بوده است (Minassian, 2008: 7). حتی این موضوع که مناسبات تجاری طرفین همواره در طی سال‌های پس از استقلال مثبت بوده و ایران از همان روزهای نخست پس از روس‌ها بزرگترین طرف تجاری ارمنی‌ها بوده، خود گواه این ادعا است و به‌عبارتی در همین ارتباط از قرارداد انتقال گاز ایران با ارمنستان با عنوان مهمترین نماد همکاری‌های طرفین یاد می‌شود (Javade-e Arjomand & Dolatyari, 2012: 208). به‌علاوه، ارمنستان در مقام بخشی از قفقاز جنوبی در دل محور تجاری - ارتباطی شمال - جنوب همراه با ایران نقش مؤثری ایفا می‌کند. این محور از مجاری مهم تجارت بین‌الملل و لولای اتصال بین اروپا و شرق و غرب آسیا است (Beheshtipour, 2007).

در مجموع، پس از فروپاشی شوروی، با توجه به شرایط جاری در قفقاز جنوبی و به‌تبع آن نیازهای ژئوپلیتیکی ارمنستان و ایران، مناسبات طرفین - که از پیشینه دراز تاریخی برخوردار است - به‌رغم تفاوت‌های فرهنگی در متن خط‌مشی کاملاً معینی کم‌حاشیه‌ترین و باثبات‌ترین دیپلماسی تجاری ایران در این حوزه بوده است. در این ارتباط، ظاهراً علاوه بر انزوای جغرافیایی - ژئوپلیتیکی ارمنستان، موضوع امنیت انرژی ارمنستان بویژه کاهش وابستگی تجاری - اقتصادی ارمنستان از روسیه و موضوع انتقال گاز تولیدی ایران از طریق ارمنستان به بازارهای اروپایی از اهمیت زیادی برخوردار است. با این حال، به‌رغم مناسبات فعال تجاری - اقتصادی ارمنستان با ایران، ظاهراً در سال‌های اخیر شاهد روند نزولی در مناسبات تجاری طرفین هستیم. حتی بر خلاف کاهش مراودات تجاری ارمنستان با ایران، گردش مناسبات تجاری ارمنستان با گرجستان با افزایش زیادی همراه بوده است. بویژه آنکه به‌رغم اختلافات

تاریخی و ژئوپلیتیکی ارمنستان با ترکیه و دورنمای کاملاً سیاه از دیپلماسی طرفین برای برقراری مناسبات سیاسی- اقتصادی، بازار تجاری ارمنستان مملو از کالاهای ترکی است. به عبارتی به رغم نقش پررنگ تجاری- اقتصادی ایران در طول سالهای نخست استقلال در بازار اقتصادی ارمنستان، با تقویت ساختار تولیدات داخلی و واردات کالاهای متنوع تجاری از دیگر دولت‌ها، موقعیت اقتصادی ایران در ارمنستان به تدریج ضعیف شده است (Valigholizadeh, 2009: 299).

در مجموع، ارمنستان دومین دولت مهم قفقاز جنوبی در مجاورت ایران است که طبق ارقام آماری مناسبات تجاری طرفین در سال ۱۳۹۲ با ثبت ۱۳۴ میلیون دلار در قیاس با سطح مناسبات تجاری سال ۱۳۸۴ (بالاترین سطح مناسبات تجاری طرفین به ارزش ۱۹۰ میلیون دلار) تقریباً با ۳۰٪ نزول همراه است. به عبارتی، در سال ۱۳۹۲ واردات ارمنستان از ایران به ارزش ۱۰۵ میلیون دلار بوده است که این میزان با ۱۳ و ۳۵٪ کاهش در قیاس با سال‌های ۹۱ و ۸۴ در مجموع ۱۴/۷۶٪ از کل صادرات ایران به قفقاز جنوبی است. همچنین در سال ۱۳۹۲ واردات ایران از ارمنستان به ارزش ۲۹ دلار بوده است که با ۲۷٪ کاهش در قیاس با سال ۱۳۸۹ در مجموع ۲۵٪ از کل واردات ایران از قفقاز جنوبی است. به رغم این نزول نسبی در سطح مناسبات تجاری، در طول سال‌های پیشین نوسان زیادی در موقعیت اقتصادی ارمنستان در متن مناسبات تجاری با ایران قابل رؤیت نیست و طبیعتاً تراز تجاری این مناسبات همواره مثبت و به نفع ایران است؛ اگرچه همچون سطح مناسبات، تراز تجاری جاری ایران با ارمنستان هم دارای سیر نزولی است.



پتانسیل‌های اقتصادی گرجستان

اگرچه گرجستان قبل از استقلال از اقتصادهای قوی شوروی بود، اما پس از فروپاشی شوروی به‌خاطر ناملایمات سیاسی با چالش‌های اقتصادی جدی روبرو بوده و این موضوع تا حد زیادی از اجرای اصلاحات فراگیر اقتصادی در این جمهوری جلوگیری کرده است (DEIK, 7: 2012). به‌عبارتی، اقتصاد این جمهوری به‌خاطر سال‌ها ناآرامی و جنگ‌های داخلی و جدایی‌طلبی‌ها در مناطق متنوع با زیان‌های شدیدی همراه بود است (Oliker & S. Szayna, 448: 2003). حتی فاصله‌های زیاد اقتصادی با معیارهای بین‌المللی، آثار باقی از نظام اقتصاد دولتی و عدم برخورداری از معیارهای رقابتی باعث ضعف اقتصادی این جمهوری در بخش تجارت بوده و نقش صنعت در تولید ناخالص داخلی آن را افول داده است؛ اگرچه به‌خاطر راهبرد خصوصی‌سازی و قراردادهای اقتصادی - تجاری بین‌المللی دولت در سال‌های اخیر، انتظار می‌رود بخش صنعت در سال‌های آتی با استقبال فعالیت اقتصادی خارجی همراه باشد (Benli, 2007: 3).

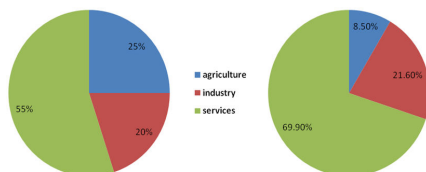
گرجستان برای تأمین انرژی وابستگی شدیدی به روسیه دارد. حتی این وابستگی (بوئژه به‌خاطر بحران مناسبات سیاسی) باعث تشدید ضعف حیات اقتصادی - صنعتی این جمهوری در سال‌های اخیر بوده است. برای همین دولت سعی دارد برای رهایی از این وابستگی انزوا محور ژئواکونومیکی، این نیاز راهبردی را از طریق واردات انرژی از دیگر دولت‌های پیرامونی بوئژه دولت‌های ساحلی خزر- ایران و همزمان نقش‌آفرینی در موقعیت بین‌المللی چهارراه

ارتباطی - مواصلاتی و گره‌گاه انتقال انرژی در قفقاز جنوبی برطرف سازد (Benli, 2007: 2). پس از استقلال، این جمهوری از سال ۱۹۹۳ تغییرات ساختاری اقتصادی خود را شروع کرده است. روند تغییرات در مرحله نخست از توفیق قابل توجهی برخوردار نبود، اما با روی کارآمدن شوراد نادره و همزمان با اجرای طرحی اصلاحی با همیاری صندوق بین‌المللی پول با قاطعیت دنبال شده است. این جمهوری در سال ۲۰۰۰ برای تقویت تجارت خارجی و شفاف سازی سیاست‌های تجاری به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد و متعاقباً در سال ۲۰۰۲ در نظام مالیاتی خود را از نو تنظیم کرد (ESEN, 2011: 5). بنابراین مسیر نظام اقتصادی این جمهوری در سالهای پس از استقلال به‌رغم درگیری با چالش‌ها و بحران‌های اساسی در جهت آزادسازی اقتصادی بوده و حتی پس از تغییرات سیاسی ۲۰۰۳ بازسازی اقتصادی از اولویت‌های نخست دولت بوده است (Aşık, 2011: 64).

در این بین، حمل و نقل از بخش‌های مهم در جهت‌دهی به دورنمای آتی فعالیت‌های اقتصادی این جمهوری است. مسیر ارتباطی - مواصلاتی شرق - غرب تنها محور ارتباطی باتومی و پوتی (بنادر و دروازه‌های استراتژیکی قفقاز جنوبی) با شهرهای باکو (قلب اقتصادی قفقاز جنوبی) و ایروان است. همچنین، این جمهوری همزمان با نقش‌آفرینی در مقام پل انتقال انرژی در شطرنج ژئواکونومی قفقاز جنوبی و اخیراً اجرای طرح خط ریلی ب. ت. ق (جاده ابریشم قرن) می‌رود تا در سال‌های آتی در مقام دروازه ارتباطی - مواصلاتی راهبردی حوزه خزر و قلب آسیا با سطح آب‌های آزاد و بازارهای بین‌المللی نقش‌آفرین شود.

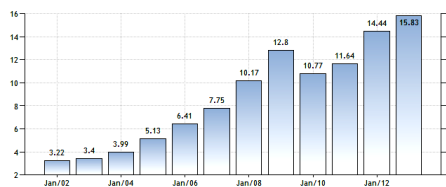
در مجموع، دورنمای اقتصادی این جمهوری پس از استقلال، به‌رغم بی‌ثباتی وضع سیاسی - اقتصادی از روند صعودی نسبی برخوردار است. گرجستان فعلاً در قفقاز جنوبی با ۷٪ دارای بالاترین رشد اقتصادی است. اما، به‌رغم ثبت ۱۵/۸ میلیارد دلار بالاترین رقم تولید ناخالص داخلی در تاریخ پس از استقلال در ۲۰۱۳، هنوز اقتصاد این جمهوری در قفقاز جنوبی به‌لحاظ توان رقابتی و صنعتی اقتصاد ضعیفی است و در چنین وضعیتی بخش خدمات با نقش قابل توجهی فعال‌ترین بخش اقتصادی این جمهوری محسوب می‌شود.

نمودار شماره ۱۷: تولید ناخالص داخلی در گرجستان - میلیارد \$ نمودار شماره ۱۸: سهم بخش‌های مختلف در تولید ناخالص داخلی گرجستان

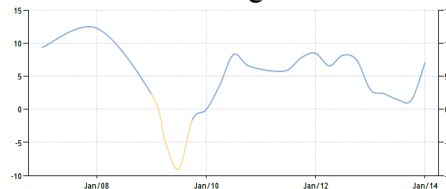


نمودار شماره ۲۰: ویژگی‌های تولید ناخالص داخلی گرجستان

GDP	Last	Previous	Highest	Lowest
GDP	15.83	14.44	15.83	2.51
GDP Annual Growth Rate	7.10	1.40	12.30	-9.00



نمودار شماره ۱۹: نرخ رشد اقتصادی در گرجستان

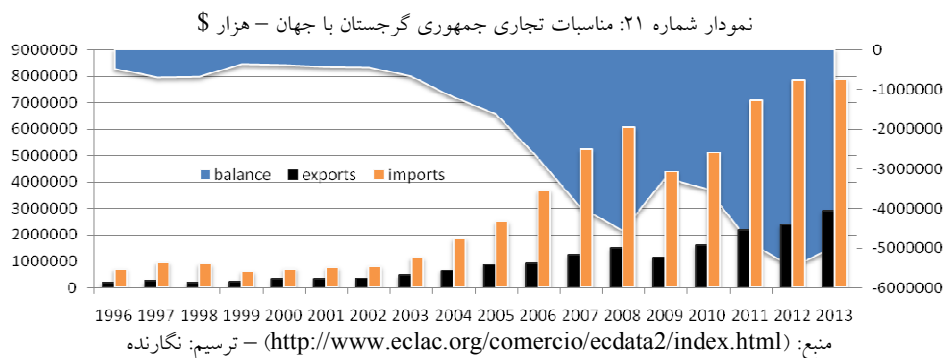


منبع: (<http://www.tradingeconomics.com/georgia/gdp-growth-annual>)

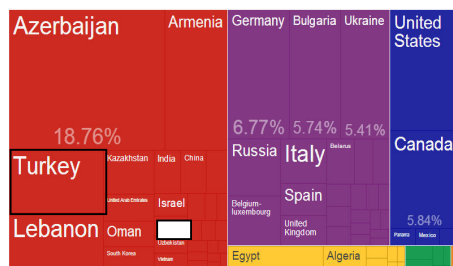
همچنین، به‌رغم دورنمای صعودی مناسبات تجاری- اقتصادی این جمهوری با جهان، همچنان تراز تجاری مناسبات در دوره پس از استقلال منفی و به نفع شرکای تجاری است. صادرات فعلی این جمهوری در قیاس با سال ۲۰۰۰ با ۸۰٪ افزایش همراه است؛ اما موضوع قابل توجه افزایش بیش از ۱۰۰٪ واردات است. در واقع، اگرچه طبق گزارش دبیرخانه سازمان تجارت جهانی، به‌رغم چالش‌ها و تنگناهای مختلف داخلی و بین‌المللی در بازسازی و تثبیت اقتصاد ملی، سیاست‌های اقتصادی اخیر گرجستان در راستای ارتقای اقتصادی در فضای آزاد تجاری، سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی، بویژه با تکیه بر عملکرد خوب بخش خصوصی تا حد قابل توجهی با موفقیت همراه بوده است و حتی این جمهوری فعلاً از سریعترین اقتصادهای در حال پیشرفت جهان محسوب می‌شود، اما هنوز به‌خاطر تغییرات سیاسی، تنگناهای ادغام کامل با اقتصاد بازار آزاد، وابستگی به انرژی و دیگر چالش‌های مدیریتی در اصلاحات اقتصادی، در متن مناسبات تجاری صعود قابل توجهی در صادرات گرجستان قابل رؤیت نیست. اما در آن سوی مناسبات تجاری به‌خاطر افزایش روزافزون وابستگی اقتصادی این جمهوری جریان موجود افزایشی است (Tavil Alsirt, 2009: 28).

در متن این مناسبات تجاری، در سال ۲۰۱۳ آذربایجان، ارمنستان، آمریکا، آلمان، کانادا،

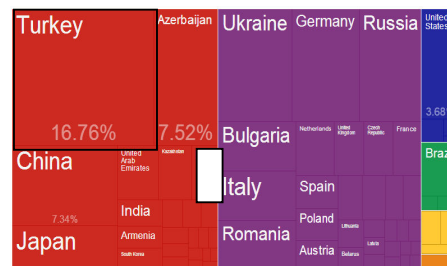
بلغارستان، اوکراین و ترکیه در مقام بزرگترین شرکای تجارت صادراتی و در آن سوی مناسبات ترکیه، آذربایجان، چین، اوکراین، آلمان، روسیه در مقام بزرگترین شرکای تجارت وارداتی گرجستان، مهمترین فضاهاى مواصلاى اقتصادى جهان با این اقتصاد نوپای قفقاز جنوبی هستند. در این بین، ظاهراً در دایره پخش فضایی مناسبات تجاری به لحاظ رقابتی ایران در مقابل ترکیه در جای مناسبی قرار ندارد.



نمودار شماره ۲۲: مهمترین شرکای تجارت صادرات گرجستان - ۲۰۱۲



نمودار شماره ۲۳: مهمترین شرکای تجارت وارداتی گرجستان - ۲۰۱۲



مناسبات تجاری - اقتصادی ایران با گرجستان

پس از استقلال گرجستان، به رغم برقراری مناسبات دیپلماتیک بین طرفین، این مناسبات حتی در سطح مناسبات تجاری - اقتصادی بویژه به خاطر جهت گیری های سیاسی غربگرای تفلیس از سطح محدودی برخوردار بوده است (Ataee, 2012: 181). به عبارتی، به رغم آنکه با

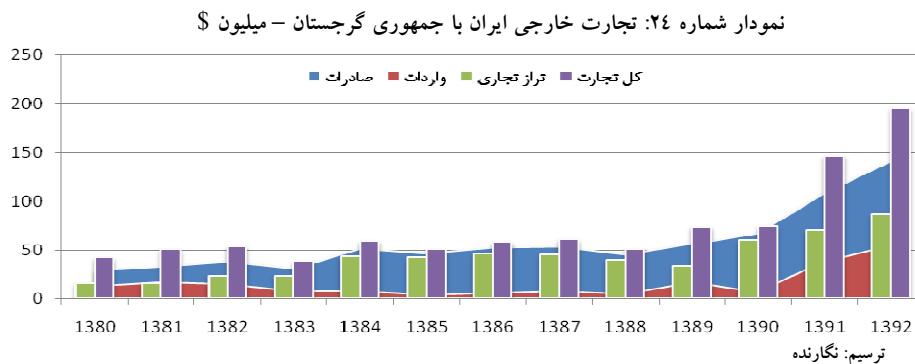
شناسایی اعلام استقلال این جمهوری توسط ایران فصل نوینی در روابط دیپلماتیکی بویژه در سطح مناسبات تجاری بین طرفین شروع می‌شود، اما در دو دهه پیشین مناسبات متقابل به‌خاطر دلایل مختلف چون شرایط سیاسی حاکم بر طرفین در داخل، شرایط ویژه قفقاز جنوبی، شرایط بین‌المللی و همچنین نقش کارگزاران از فراز و نشیب بالایی برخوردار بوده است. حتی طبق آمارهای موجود پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در سال‌های نخست همزمان با ظهور فرصت‌های خوب اقتصادی برای بازیگران خارجی جهت احیای وضعیت اقتصادی نوین این جمهوری نقش بخش‌های دولتی و خصوصی ایران در ورود به این بازار تجاری قابل‌توجه نبوده است. حتی ارزیابی روابط اخیر طرفین، مناسبات اقتصادی جاری را بسیار پایین‌تر از ظرفیت‌های واقعی نشان می‌دهد. بنابراین در وضعیت فعلی بایستی ایران به‌خاطر گذشته تاریخی، ارتباطات فرهنگی، اقتصادی و تجاری حاکم بین طرفین تدابیری بیاندیشد تا زمینه‌های احیای مناسبات متقابل طرفین بویژه در سطح مناسبات تجاری را در فضای مدرن جهان سیاسی - اقتصادی کنونی فراهم آورد. بویژه آنکه از بین فرصت‌های کاملاً راهبردی برای همکاری طرفین می‌توان از موقعیت ویژه طرفین در بخش ترانزیت نام برد. هدف از این همکاری برقراری ارتباط زمینی بین خلیج فارس و دریای سیاه است و این در وضعیتی است که گرجستان از بنادر خوبی با موقعیت راهبردی و پتانسیل‌های ترانزیتی بالا در سواحل دریای سیاه همچون باتومی و پوتی بهره می‌برد.

با این حال، به‌رغم تبعات منفی تمام تنگناهای سیاسی - اقتصادی موجود در مناسبات تجاری طرفین، ظاهراً خود ایران علی‌غم آگاهی کامل از موقعیت راهبردی این جمهوری در سواحل دریای سیاه، در برداشتن گام‌های جدی برای استفاده از این فرصت غفلت کرده است. قطعاً تشویق و پشتیبانی ایران از بخش خصوصی و دولتی برای ایفای نقش فعال در اجرای طرح‌های مهم و فعالیت اقتصادی در بازار تجاری این جمهوری می‌توانست راه ارتقای مناسبات طرفین را هموارتر سازد. بویژه آنکه به‌رغم نارضایتی فعالان بخش اقتصادی ایرانی از ناامنی و بی‌ثباتی در این جمهوری؛ این بازار تجاری با به‌کارگیری راهبردهای ویژه به تسخیر روسیه و ترکیه درآمده است (Amirahmadian & Asgari, 2012: 9).

از دیگر بخش‌های راهبردی برای همکاری طرفین در متن مناسبات تجاری بحث صدور گاز ایران به گرجستان و حتی انتقال آن از طریق سواحل دریای سیاه به بازارهای تجاری اروپا است (Moazami-e Gudarzi, 2007: 45). همچنین وجود شرکت‌های دولتی و خصوصی ایران و توان آنها برای فعالیت اقتصادی در این جمهوری و متقابلاً وابستگی اقتصادی این جمهوری از دیگر فرصت‌هایی است که می‌توان با استفاده از آن مناسبات تجاری طرفین را احیا کرد. در عین حال، بایستی تلاش شود به‌خاطر پیوندهای عمیق، تعلق مکانی ویژه‌ای بین طرفین در راستای اصل تعریف حسن همجواری شکل گیرد؛ هر چند این نوع نگاه در اذهان وجود دارد. به‌عبارتی احساس وابستگی میان طرفین بر محوریت منفعت دوجانبه بنیان هر نوع همگرایی بویژه اقتصادی- تجاری است.

در مجموع، طبق ارقام موجود، به‌رغم آنکه به‌خاطر تجارب تاریخی و وابستگی‌های جغرافیایی- اقتصادی و اهمیت راهبردی طرفین، همکاری‌های تجاری- اقتصادی از اهمیت زیادی برای طرفین برخوردار است؛ که در این خصوص دسترسی به بازار تجاری این جمهوری حتی از پتانسیل برقراری، تثبیت و تعمیق مناسبات و همکاری‌های تجاری- اقتصادی ایران با دیگر کشورهای مجاور و شرق اروپا را برخوردار می‌باشد، اما همواره ضعیف‌ترین مناسبات تجاری ایران در قفقاز جنوبی با این جمهوری بوده است. به‌عبارتی ایران هیچ وقت در رقابت با دیگر رقبا و بازیگران تجاری در متن مناسبات تجاری با این جمهوری در رسیدن به موقعیت درخور پتانسیل‌های اقتصادی خود موفق نبوده است. به‌رغم این وضعیت، در سال ۱۳۹۲ برای نخستین بار سطح مناسبات تجاری طرفین با ثبت رقم ۱۹۵ میلیون دلار با ۳۶۵٪ افزایش در قیاس با سال ۸۰ رکوردی تاریخی در مناسبات تجاری طرفین را رقم زد. از این میزان، به ارزش ۱۴۱ میلیون دلار مختص واردات گرجستان از ایران (با ۳۸۶٪ افزایش در قیاس با سال ۱۳۸۰) است. این رقم تقریباً ۲۰٪ از مجموع صادرات ایران به قفقاز جنوبی است. همچنین در همان سال از مجموع مناسبات تجاری طرفین به ارزش ۵۴ میلیون دلار مختص واردات ایران از گرجستان بود. این رقم حدود ۴۷٪ از مجموع واردات ایران از قفقاز جنوبی است و در قیاس با سال‌های پیشین دلیل قاطعی بر ارتقای موقعیت این جمهوری در مناسبات

اخیر تجاری با ایران است.



تحلیل یافته‌های پژوهش

اهمیت ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در راستای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس

با توجه به مباحث این پژوهش، اصل نخست برای تبیین اهمیت ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس موقعیت راهبردی این سرزمین در همجواری منطقه آزاد ارس در مقام لولای ارتباطی - مواصلاتی جهان اسلام و مسیحیت است. موقعیت گذرگاهی و مواصلاتی قفقاز جنوبی در طول تاریخ همراه با تجارب غنی فرهنگی پتانسیل راهبردی کاملاً ویژه‌ای برای پیوند منطقه آزاد ارس از طریق آن با جریان‌های فرهنگی - اقتصادی پیرامونی است. به عبارتی، می‌توان منطقه آزاد ارس را از طریق دهلیز کاملاً راهبردی - مواصلاتی قفقاز جنوبی در متن مناسبات تجاری و همکاری‌های متنوع اقتصادی بین‌المللی بویژه در بخش انرژی با ملت‌ها و اقتصادهای پیرامونی وارد تعامل ساخت. همچنین، به‌خاطر جغرافیای سیاسی خاص و نقش موقعیت راهبردی این سرزمین در ایجاد تمایلات و تعلقات نوین جغرافیایی - اقتصادی برای قدرت‌های بین‌المللی، با بهره‌گیری منطقی از این وضعیت حتی می‌توان منطقه آزاد ارس را وارد تعاملات ژئواکونومیکی بین‌المللی کرد. در عین حال، به‌خاطر موقعیت مواصلاتی قفقاز جنوبی همزمان با تقویت تعاملات تجاری - اقتصادی منطقه آزاد ارس با قفقاز جنوبی، می‌توان با پشتیبانی از جریان ایجاد صلح و همگرایی اقتصادی در قفقاز جنوبی، از این

سرزمین در موقعیت مسیری کاملاً راهبردی برای ارتباط اقتصاد ایران با قفقاز جنوبی و از طریق آن با حوزه دریای سیاه و اروپا بهره برد. حتی در متن مناسبات تجاری، می‌توان منطقه آزاد ارس را بویژه به‌خاطر وضعیت توپوگرافیک خاص شمال غرب ایران به فعال‌ترین دروازه و گلوگاه تجاری - مواصلاتی قفقاز جنوبی و سرزمین‌های ماورای آن با اقتصادهای ساحلی خلیج فارس و جنوب آسیا تبدیل کرد.

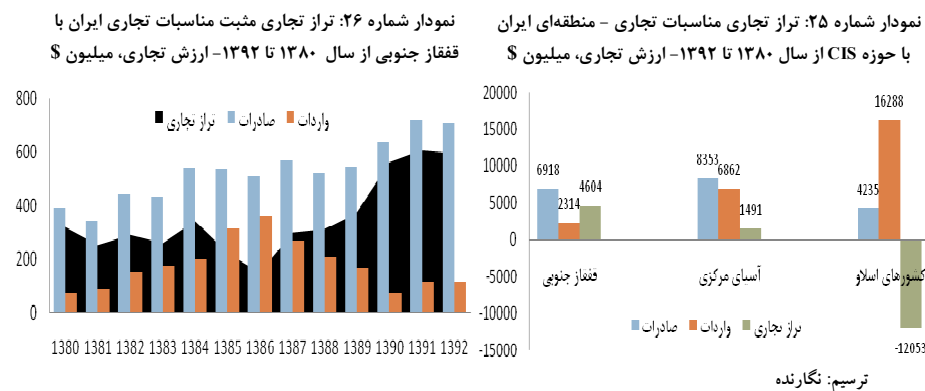
موضوع دیگری که می‌توان از آن در توجیه اهمیت ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در راستای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس بحث کرد، موقعیت ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی است. این سرزمین و فضای همجوار آن به‌خاطر وجود منابع غنی انرژی، عبور مسیرهای مهم انتقال انرژی و به‌عبارتی نقش آن در مقام پل ارتباطی اوراسیای مرکزی با بازارهای تجاری اروپا و غرب، در تعاملات اقتصادی بازارهای جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قطعاً تعمیق مناسبات منطقه آزاد ارس با چنین فضایی با مزیت‌های اقتصادی ویژه‌ای همراه خواهد بود. چون اهمیت این سرزمین برای قدرت‌ها و اقتصادهای بزرگ از چنین موقعیتی نشأت می‌گیرد و حتی ورود سرمایه‌های خارجی در این سرزمین بیشتر تحت تأثیر این عامل قرار دارد. بنابراین می‌توان با ورود در جریان همگرایی اقتصادی با قفقاز جنوبی، از مزیت‌های ویژه ژئواکونومیکی آن در ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس بویژه از طریق تعمیق تعاملات تجاری بهره برد.

بویژه آنکه قفقاز جنوبی به‌رغم تجربه یک دوره کاملاً بی‌ثبات اقتصادی در دوره پس از استقلال به‌خاطر شرایط خاص جغرافیایی - سیاسی بویژه منازعات قومیتی - سرزمینی، از پتانسیل‌های اقتصادی خوبی بویژه در بخش انرژی (آذربایجان)، انتقال انرژی و وابستگی به منابع انرژی، پتانسیل غنی کشاورزی، پتانسیل غنی در تعمیق مناسبات توریستی، تأسیسات بزرگ صنعتی (اگرچه فرسوده اما در حال احیا) بویژه صنایع پتروشیمی، شیمیایی و ماشین‌سازی باقی از دوران اتحاد شوروی، حذف تدریجی نظام اقتصاد دولتی، تقویت فعالیت اقتصادی بخش خصوصی، پیوند با نظام اقتصاد بازار آزاد، مشارکت در قراردادهای بین‌المللی انرژی، تبدیل به مرکز نوپای سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود وضعیت اقتصادی در بستر

پشتیبانی‌های خوب مالی بین‌المللی و همچنین پشتیبانی دولت‌های اروپایی، رقابت بین‌المللی در بازار اقتصادی- تجاری قفقاز جنوبی بویژه صنعت انرژی آذربایجان در مقام ستون اصلی اقتصاد این جمهوری، موقعیت قفقاز جنوبی بویژه آذربایجان در پیشروی تدریجی اقتصادی و ظاهراً دورنمای اقتصادی روشن آن، تلاش آذربایجانی‌ها برای ایجاد مرکز تجاری بین‌المللی خزر در سواحل خزر و همزمان تلاش گرجی‌ها برای ایجاد بزرگترین مرکز بین‌المللی در سواحل دریای سیاه برای پیوند با اقتصاد جهانی، شخصیت نوین اقتصادی قفقاز جنوبی در بازارهای تجاری بویژه بازارهای بین‌المللی انرژی، دورنمای اقتصادی روشن قفقاز جنوبی در صورت خروج از انزوای جغرافیایی- اقتصادی از طریق تعمیق همگرایی‌های اقتصادی داخلی و بین‌المللی با جهان پیرامونی و خارج، به‌رغم تفاوت‌های عمده پتانسیل خوب اقتصادهای نوپا اما پویای قفقاز جنوبی بویژه روند کاملاً صعودی رشد اقتصادی و جریان تولید ناخالص داخلی، مشارکت بالای بخش صنعت و خدمات در جریان تولید ناخالص داخلی، به‌رغم تراز تجاری منفی دورنمای کاملاً صعودی مناسبات تجاری - اقتصادی قفقاز جنوبی با جهان، نقش فضای همجوار در مقام مهمترین مجرای مواصلاتی اقتصاد جهان با این سرزمین و مکمل ژئواکونومیکی در مناسبات تجاری (به‌رغم موقعیت ضعیف ایران)، بهره می‌برد.

وجود این پتانسیل‌های اقتصادی در مجاورت منطقه آزاد ارس مزیت‌های ویژه ژئواکونومیکی است که به راحتی می‌توان از آنها در راستای ارتقای اقتصادی این حوزه تجاری - صنعتی بهره برد. به‌خاطر این موقعیت، منطقه آزاد ارس بویژه با تکیه بر تجارب بالای صنعت انرژی در ایران از پتانسیل بالقوه بالایی برای همکاری در بخش‌های مختلف صنعت انرژی بویژه پتروشیمی، صنایع شیمیایی با آذربایجان و همچنین در حوزه انتقال انرژی با کل قفقاز جنوبی بویژه به‌خاطر ملاحظات کاملاً ژئوپلیتیکی این حوزه برای رهایی از وابستگی در تأمین انرژی به روسیه برخوردار است. همچنین، در بخش کشاورزی بویژه با تعمیق همکاری‌ها و بهره‌برداری مشترک از آب رودخانه ارس، در صنعت گردشگری با تعمیق همکاری برای تبادل توریست در سطح بین‌المللی بویژه به‌خاطر موقعیت غنی منطقه آزاد ارس و قفقاز جنوبی در این بخش، در بخش اقتصاد صنعتی با فعالیت مشترک بویژه برای ارتقای

صنعت ماشین‌سازی، پتانسیل‌های اقتصادی خوبی در قفقاز جنوبی برای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس وجود دارد. در عین حال، رفع تدریجی نظام اقتصاد دولتی، تقویت فعالیت اقتصادی بخش خصوصی، ادغام با نظام اقتصاد بازار آزاد از الزامات مهم در توفیق و کارکردی مناطق آزاد هستند که به‌رغم عملکرد ضعیف ایران از این حیث، با تعمیق مناسبات تجاری منطقه آزاد ارس با قفقاز جنوبی می‌توان از این موقعیت، هر چند الزاماً برای رفع چالش‌های خاص کارکردی و ایجاد اصلاحات اساسی در راستای کارایی آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی منطقه آزاد ارس بهره برد.



بدون تردید، مناطق آزاد در مقام شریان‌های نوین ادغام در اقتصاد جهانی بایستی از موقعیت جغرافیایی - اقتصادی ویژه‌ای برخوردار باشند. ظاهراً این موقعیت برای منطقه آزاد ارس به‌رغم تنگناهای ژئوپلیتیکی و دسترسی کاملاً سخت به سطح آب‌های آزاد و مسیرهای راهبردی تجارت بین‌الملل، در متن مشارکت قفقاز جنوبی در قراردادهای تجاری بین‌المللی، بهبود وضعیت اقتصادی و دورنمای اقتصادی روشن آن، تلاش‌های مختلف برای نقش‌آفرینی این سرزمین در مقام مرکز تجاری بین‌المللی برای ادغام کامل با جریان اقتصاد جهانی، پویایی اقتصادهای قفقاز جنوبی، دورنمای صعودی مناسبات تجاری - اقتصادی قفقاز جنوبی با جهان و بویژه نقش فضای همجوار در مقام مهمترین مجرای مواصلاتی اقتصاد بین‌المللی با این سرزمین مهیا است. این موقعیت وضعیتی را ایجاد کرده است که ظاهراً در مجاورت قفقاز

جنوبی ادغام منطقه آزاد ارس در جریان اقتصاد بین‌الملل مستلزم همگرایی اقتصادی و تعمیق مناسبات تجاری با این سرزمین است. از طرف دیگر، ظرفیت و طبیعت مناسبات تجاری-اقتصادی ایران با قفقاز جنوبی بیانگر این است که از موقعیت فوق و حتی جهت‌دهی مناسبات تجاری دو جانبه از مجرای منطقه آزاد ارس به راحتی می‌توان از پتانسیل موجود در راستای ارتقای اقتصادی این حوزه صنعتی - تجاری بهره برد. بویژه آنکه جریان مناسبات تجاری ایران با قفقاز جنوبی همواره در دوره پس از استقلال کاملاً مثبت و به نفع ایران بوده است. این موضوع حتی در متن مناسبات تجاری ایران با حوزه CIS هم عینیت دارد. طبق محاسبات آماری از ارقام مناسبات تجاری ایران با حوزه CIS در طول دوره زمانی (۱۳۹۲-۱۳۸۰)، از مجموع واردات این حوزه از ایران به ارزش ۱۹۵۰۶ میلیون دلار بیش از ۳۵٪ مختص صادرات ایران به قفقاز جنوبی است. قابل توجه آنکه در این بازه زمانی، بیش از ۷۵٪ از تراز تجاری مثبت مناسبات تجاری ایران با حوزه CIS در متن مناسبات تجاری با قفقاز جنوبی محقق شده است.

در عین حال، اگرچه در تحلیل فضایی - ژئواکونومیکی از مناسبات تجاری ایران با حوزه CIS، در ارزیابی کلی جریان مناسبات به نفع حوزه CIS است، اما قفقاز جنوبی به لحاظ پخش فضایی - ژئواکونومیکی در بخش صادرات ایران از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. در این حوزه آذربایجان در کل با ۴۶۸۵ میلیون دلار (یک چهارم مجموع واردات CIS از ایران) واردات بزرگترین قلمرو صادرات ایران در CIS محسوب می‌شود. با این توضیحات ظاهراً در سطح کلان در بخش صادرات از مناسبات تجاری ایران با حوزه CIS، قفقاز جنوبی نخستین دایره تجاری از مکمل‌های ژئواکونومیکی ایران محسوب می‌شود. به‌رغم این وضعیت، ظاهراً در تحلیل فضایی مناسبات تجاری قفقاز جنوبی با جهان، ایران حتی در مقابل رقبای پیرامونی خود از موقعیت خوبی برخوردار نیست. این وضعیت به‌رغم تراز تجاری مثبت در بخش واردات ایران از قفقاز جنوبی هم وجود دارد. حتی در این بخش، در قیاس با واردات ایران از سایر مناطق CIS، خلاء شدیدی در مناسبات تجاری ایران قابل رؤیت است.

مدل شماره ۱: بخش فضایی و موقعیت ژئوآکونومیکی دولت‌های CIS در مناسبات تجاری با ایران (بخش صادرات)

رتبه	۸-	۷-	۶-	۵-	۴-	۳-	۲-	۱-	۰-	۱-	۲-	۳-	۴-	۵-	۶-	۷-	۸-	۹-	۱۰-	۱۱-	۱۲-
۱	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ	AZ
۲	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU
۳	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ	UZ
۴	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU	TU
۵	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR
۶	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA	TA
۷	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA	KA
۸	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE	GE
۹	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK
۱۰	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY	KY
۱۱	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE
۱۲	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO

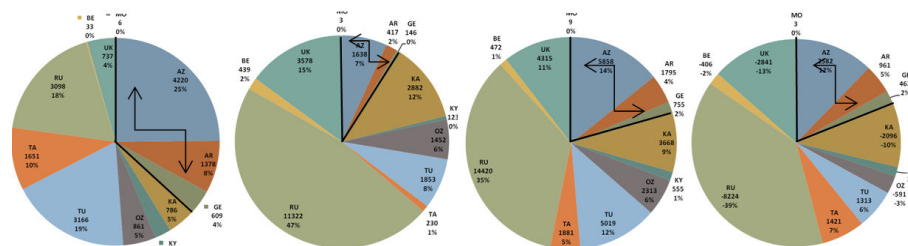
مدل شماره ۲: بخش فضایی و موقعیت ژئوآکونومیکی دولت‌های CIS در مناسبات تجاری با ایران (بخش صادرات)

رتبه	۸-	۷-	۶-	۵-	۴-	۳-	۲-	۱-	۰-	۱-	۲-	۳-	۴-	۵-	۶-	۷-	۸-	۹-	۱۰-	۱۱-	۱۲-	
۱	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	RU	
۲	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	
۳	OZ	KA	OZ	KA	UK	KA	AZ	AZ	KA	KA	KA	KA	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	UK	
۴	BE	OZ	KA	AZ	KA	UK	TU	KA	AZ	TU	AZ	OZ	OZ	OZ	OZ	OZ	OZ	OZ	OZ	OZ	OZ	
۵	KA	BE	BE	OZ	AZ	AZ	UK	OZ	TU	OZ	OZ	OZ	UK	OZ	AZ	AR	AR	AR	AR	AR	AR	
۶	TU	AZ	TU	TU	OZ	OZ	OZ	UK	OZ	AZ	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	AR	
۷	GE	TU	AZ	BE	TA	TA	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	
۸	AZ	GE	AR	AR	BE	BE	AR	AR	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	
۹	AR	TA	TA	TA	AR	AR	TA	KY	GE	GE	TA	KY	GE	TA	KY	KY	TA	KA	KA	KA	KA	
۱۰	TA	AR	GE	GE	KY	KY	KY	TA	KY	KY	TA	KY	KY	TA	KY	KY	TA	KA	KA	KA	KA	
۱۱	KY	KY	KY	KY	GE	GE	GE	TA	TA	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	BE	
۱۲	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO	MO

منبع: استخراج از ارقام تجاری مناسبات بازرگانی ایران

فوقاز جنوبی	آسیای مرکزی	حوزه اسلاو
-------------	-------------	------------

نمودار شماره ۲۷: سهم قفقاز جنوبی در بخش‌های مختلف مناسبات تجاری ایران در حوزه CIS

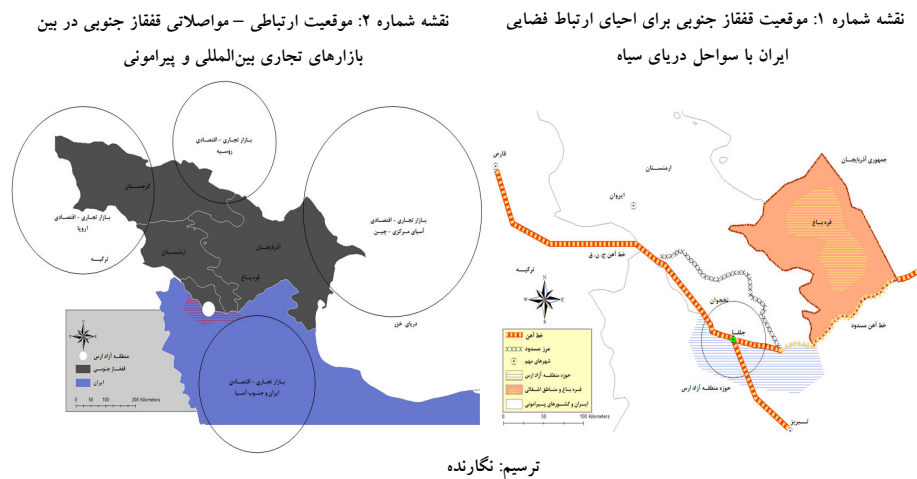


منبع: استخراج از ارقام تجاری مناسبات تجاری ایران

با توجه به این وضعیت، ظاهراً برخلاف پیوستگی فضایی قفقاز جنوبی با ایران و پتانسیل جغرافیایی- اقتصادی توانمند ایران جهت نقش‌آفرینی در مقام مکمل ژئوآکونومیکی برای این سرزمین، به‌لحاظ فضایی ایران در مقام مکمل ژئوآکونومیکی حوزه اسلاو نقش‌آفرین است. همچنین، از لحاظ مجموع مناسبات تجاری، هنوز به‌خاطر خلأ موجود در متن مناسبات طرفین، قفقاز جنوبی را نمی‌توان مکمل ژئوآکونومیکی ایران دانست. علی‌رغم این وضعیت، قفقاز جنوبی به‌لحاظ تراز تجاری و تعادل ژئوآکونومیکی در متن مناسبات تجاری ایران با حوزه CIS، هارتلند نفوذ ژئوآکونومیکی ایران محسوب می‌شود. قطعاً موقعیت جاری در متن مناسبات تجاری ایران با حوزه CIS و همزمان موقعیت ویژه منطقه آزاد ارس در مقام دروازه راهبردی- مواصلاتی ایران با قفقاز جنوبی و سرزمین‌های ماورای آن و متقابلاً دروازه

راهبردی- مواصلاقی قفقاز جنوبی و سرزمین‌های ماورای آن با ایران و اقتصادهای جنوب آسیا، در دل فضای کارکردی منطقه آزاد ارس فرصتی کاملاً استثنایی و پتانسیل ویژه ژئواکونومیکی برای این حوزه تجاری- صنعتی است. به عبارتی با بکارگیری تمام ظرفیت‌های کارکردی - تجاری منطقه آزاد ارس در جهت‌دهی به مناسبات تجاری ایران با حوزه CIS بویژه رفع خلاءهای موجود، به‌نوعی می‌توان دروازه‌های شکوفایی اقتصادی را به روی این حوزه تجاری - صنعتی گشود. این موضوع، از اهمیت ذاتی قفقاز جنوبی در راستای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس حکایت دارد و ظاهراً منطقه آزاد ارس در مقام لولای ارتباطی بین ایران و قفقاز جنوبی، با توجه به تأسیسات قابل توجه تجاری و ارتباطی جلفا از پتانسیل هدایت بخش عمده مناسبات تجاری طرفین از مجرای منطقه آزاد ارس برخوردار است. قطعاً این امر علاوه بر تحقق و تعمیق مناسبات تجاری دوجانبه، موجب ارتقاء و سودآوری این حوزه تجاری- صنعتی خواهد بود.

بویژه آنکه منطقه آزاد ارس از دیرباز از مهمترین دروازه‌های تجاری ایران بوده است. تأسیسات تجاری راه‌آهن جلفا برای انجام تشریفات گمرکی، انبارداری و ترخیص و حمل و نقل سه میلیون تن کالا در سال طراحی و احداث شده و واردات و صادرات ایران با اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی و کشورهای اسکاندیناوی (قبل از فروپاشی شوروی) عمدتاً از این طریق به انجام می‌رسید. به‌رغم این وضعیت، پس از فروپاشی شوروی، به‌خاطر تبعات ویژه بحران قره‌باغ، در پی قطع ارتباط بین آذربایجان و ارمنستان، ارتباط ریلی ایران با قفقاز جنوبی و از طریق آن با سواحل دریای سیاه مسدود است و این موضوع مهمترین تنگنای ژئوپلیتیکی منطقه آزاد تجاری- صنعتی ارس را بوجود آورده است. این موضوع در مناسبات تجاری بین منطقه آزاد ارس و قفقاز جنوبی از این حیث کاملاً مهم است که در صورت حل بحران قره‌باغ، احیای ارتباط ریلی بین نخجوان و ایروان، قطعاً نقش مؤثری در ارتقای مناسبات تجاری منطقه آزاد ارس با قفقاز جنوبی بویژه رفع خلاءهای موجود در پی خواهد داشت. اگرچه این موضوع در صورت برقراری ارتباط ریلی ایران، آذربایجان و ترکیه از طریق محور جلفا- نخجوان- قارص مجدداً از طریق فضای سرزمینی قفقاز جنوبی قابل تحقق است.



بحث دیگری که اهمیت ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در راستای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس را تقویت می‌کند وابستگی ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در راستای ادغام با بازارهای تجاری بین‌المللی به محور ارتباطی - مواصلاتی این حوزه تجاری - صنعتی از طریق سرزمین ایران است. به عبارتی، ساخت فضایی - اقتصادی قفقاز جنوبی از موقعیت بری برخوردار بوده و برای پیوند با دنیای خارج به همسایگان خود وابسته است. بویژه آنکه تمام دولت‌های این حوزه به‌خاطر ماهیت خاص و حتی بحرانی مناسبات سیاسی خود با همسایگان شمالی و شرقی - غربی، در موقعیت انزوای کامل ژئوپلیتیکی و تهدید قرار دارند یا در موقعیت احساس مساعدت و پشتیبانی نیستند. در چنین موقعیتی، اگرچه و ارتباط فضایی از طریق مسیر غربی (بدون ارمنستان) همواره مورد پشتیبانی غرب بوده و حتی پیشرفت‌های جاری در همکاری‌های طرفین بویژه در بخش انتقال انرژی و ترانزیت در این مسیر از شکل‌گیری مناسبات کاملاً راهبردی حکایت دارد، اما به‌خاطر احساس ترس قفقاز جنوبی از وابستگی مجدد به روس‌ها، قطعاً فضای سرزمینی ایران به‌لحاظ امنیتی و بعد جغرافیایی، راهبردی - حیاتی‌ترین پل ارتباطی قفقاز جنوبی با آب‌های آزاد و بازارهای تجاری بین‌المللی محسوب می‌شود. مهمترین ویژگی مسیر ایران بهره اقتصادی آن است. این مسیر علاوه بر پیوند مستقیم بازارهای قفقاز جنوبی با بازارهای اقتصادی خلیج فارس،

با پتانسیل جاده‌ای و ریلی نسبتاً مناسبی در جهت غرب-شرق و بالعکس همراه است. حتی در متن این موقعیت می‌توان از مجرای موقعیت چهارراهی و ارتباطی منطقه آزاد ارس در مقام دروازه ارتباطی قفقاز جنوبی، در راستای جهت‌دهی بخش قابل توجهی از مناسبات تجاری این سرزمین با آسیای شرقی و حتی ترکیه، اروپا و آفریقا بهره برد. به عبارتی منطقه آزاد ارس در مجاورت قفقاز جنوبی از پتانسیل نقش‌آفرینی در مقام لولای ارتباطی در تعمیق مناسبات تجاری این سرزمین و ایران برخوردار است و این موضوع دلیل قاطعی برای تبیین اهمیت ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در راستای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس می‌باشد.

از دیگر عوامل مهم و راهبردی در تبیین موقعیت و اهمیت ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در راستای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس، اشتراکات فرهنگی فی‌مابین بویژه بین آذربایجان و محدوده سرزمینی شمال غرب ایران است. علاوه بر اشتراکات تاریخی بین ایران و قفقاز جنوبی، در این سرزمین آذربایجان در مقام قدرت نخست ژئوپلیتیکی، جمعیتی، و اقتصادی، با دارا بودن ویژگی‌هایی از قبیل تجانس جمعیتی، قومیتی و فرهنگی بویژه با شمال غرب ایران (از حساس و راهبردی‌ترین مناطق ایران به‌لحاظ سیاسی، امنیتی و اقتصادی)، مهمترین دولت همجوار شمالی ایران است. حتی عواملی از قبیل همسایگی، تجانس جمعیتی آذربایجان با شمال غرب ایران، جایگاه ویژه آذربایجان در مقام دومین دولت شیعی جهان، اشتراکات تاریخی و فرهنگی و دیگر وابستگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی طرفین، خالق شرایط فوق‌العاده ویژه‌ای برای تقویت همکاری‌های طرفین است و در این بین، منطقه آزاد ارس به‌خاطر همجواری با جمهوری آذربایجان از موقعیت خوبی برای ارتقای سطح مناسبات تجاری با این جمهوری برخوردار می‌باشد. بنابراین، از دید روان‌شناسی ژئوپلیتیکی، به‌خاطر اشتراکات عمیق فرهنگی بین ایران - قفقاز جنوبی و بویژه آذربایجان، می‌توان منطقه آزاد ارس در مجاورت این سرزمین را نمود نوعی سازه راهبردی - اقتصادی و ماحصل اشتراکات تاریخی فی‌مابین برای ارتقای همکاری‌های تجاری - اقتصادی طرفین نام برد که قطعاً، ماحصل این همکاری‌های اقتصادی را می‌توان در ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس هم مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر تبیین اهمیت ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در راستای ارتقای اقتصادی منطقه آزاد ارس بود. این موضوع از آن جهت قابل بررسی و تحلیل است که ساخت‌یابی منطقه آزاد ارس در مقام سازه‌ای تجاری و صنعتی به صورت قابل توجهی در تعامل متقابل با فضاهای پیرامونی، ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و پتانسیل‌های ویژه فضایی - اقتصادی فضاهای پیرامونی و حتی طبیعت ویژه تعاملات فضایی در فضاهای پیرامونی شکل می‌گیرد و قابل ارتقاء است. اگرچه همزمان در روند ساخت‌یابی منطقه آزاد ارس نبایستی از تبعات مستقیم و عمیق تنگناها، بحران‌ها و چالش‌های خاص فضاهای پیرامونی غافل شد. روی همین اصل، قفقاز جنوبی به‌خاطر پیوستگی‌های ژئوپلیتیکی (فرهنگی، تاریخی، قومی، زبانی، امنیتی و ...) با ایران در مجاورت فضایی با منطقه آزاد ارس و همچنین موقعیت ویژه این سازه تجاری و صنعتی در دهلیز و گلوگاه ارتباطی - مواصلاتی قفقاز جنوبی با ایران، راهبردی‌ترین فضای پیرامونی منطقه آزاد ارس است که به وضوح اهمیت آن در ساخت‌یابی و ارتقاء اقتصادی منطقه آزاد ارس قابل تبیین است.

بنابراین، طبق نتایج این پژوهش می‌توان از موقعیت راهبردی قفقاز جنوبی در مقام لولای ارتباطی - مواصلاتی بین‌المللی بین فضاها و جریان‌های فرهنگی - اجتماعی مختلف و بازارهای اقتصادی - تجاری متنوع پیرامونی، موقعیت ژئواکونومیکی ویژه قفقاز جنوبی و شکل‌گیری تعلقات نوین جغرافیایی - اقتصادی بین‌المللی در این حوزه کاملاً راهبردی در مجاورت منطقه آزاد ارس و همچنین موقعیت منطقه آزاد ارس در مجاورت قفقاز جنوبی در مقام جغرافیایی و اقتصادی‌ترین دروازه و گلوگاه تجاری - مواصلاتی این حوزه راهبردی تحت عنوان ویژگی‌های شاخص ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در مجاورت منطقه آزاد ارس، از پتانسیل‌های اقتصادی پویای قفقاز جنوبی بویژه در بخش انرژی، انتقال انرژی، گردشگری، صنعت، تقویت بخش خصوصی، ادغام تدریجی در نظام اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد جهانی، مشارکت در قراردادهای اقتصادی بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود وضعیت اقتصادی، رقابت بین‌المللی در بازار اقتصادی - تجاری قفقاز جنوبی، شکل‌گیری شخصیت نوین اقتصادی برای قفقاز جنوبی در بازارهای تجاری بین‌المللی، تلاش‌ها برای خروج قفقاز جنوبی از انزوای جغرافیایی - اقتصادی از طریق

همگرایی‌های اقتصادی و پتانسیل‌های پویای اقتصادهای نوپای قفقاز جنوبی تحت عنوان قابلیت‌ها و پتانسیل‌های ژئواکونومیکی قفقاز جنوبی در مجاورت منطقه آزاد ارس، و در عین حال، علاوه بر ماهیت صعودی مناسبات تجاری-اقتصادی این حوزه راهبردی با جهان، از ظرفیت و طبیعت کاملاً ویژه و افزایشی مناسبات تجاری-اقتصادی ایران با قفقاز جنوبی بویژه به‌لحاظ ژئواکونومیکی و پخش فضایی و همچنین دورنمای آتی روشن این مناسبات تحت عنوان تعاملات فضایی قفقاز جنوبی در مجاورت منطقه آزاد نام برد که ظاهراً بر اساس تمام استدلال‌های قیاسی و تحلیل‌های فضایی این پژوهش مسیر تحول و دورنمای آتی اقتصادی این سازه تجاری-صنعتی در مقام دروازه نوین و راهبردی شمال غرب ایران جهت ادغام با اقتصاد بین‌المللی و ارتقای اقتصادی، به‌رغم تمام تنگناهای ژئوپلیتیکی، در متن این نظام و کلاً تعاملات سیستمی قفقاز جنوبی شکل خواهد گرفت. بویژه آنکه در متن این نظام و تعاملات سیستمی، خود منطقه آزاد ارس در مقام مکمل فضایی و تعاملاتی این نظام در مجاورت قفقاز جنوبی از پتانسیل نقش‌آفرینی بالایی در موقعیت لولای ارتباطی-مواصلاتی برای تعمیق مناسبات تجاری این حوزه با ایران و بازارهای تجاری بین‌المللی برخوردار است. بنابراین این موقعیت وضعیتی را ایجاد کرده است که ظاهراً در مجاورت قفقاز جنوبی ادغام منطقه آزاد ارس در جریان اقتصاد بین‌الملل مستلزم همگرایی اقتصادی با این نظام و تعاملات فضایی آن و به‌عبارتی دیگر تعمیق مناسبات تجاری با این حوزه کاملاً راهبردی است. حوزه‌ای که به‌لحاظ روانشناسی ژئوپلیتیکی، کاملاً می‌توان آن را از دید پتانسیل‌های پویا و بالای ژئواکونومیکی نخستین سکوی ارتباطی-مواصلاتی منطقه آزاد ارس با بازارهای بین‌الملل و از دید تعاملات فضایی مهمترین مکانیزم ارتقای اقتصادی این حوزه تجاری-صنعتی تلقی کرد.

قدردانی

نگارنده بر خود لازم می‌داند که از معاونت پژوهشی دانشگاه مراغه به‌دلیل حمایت‌های صورت گرفته در انجام پژوهش حاضر کمال تشکر و قدردانی را به‌عمل آورد.

References

1. Afshordi, Mohammad Hossein (2002), *Caucasus geopolitics and Iran's policy*, Tehran: High school of War Publications [in Persian].
2. Amiaahmadian, Bahram & Asgari, Hasan (2012), *Understanding the Relations between Iran and Georgia since Independence based on Theories of International Relations*, *Journal of Central Eurasia*, No 10, pp 1-20 [in Persian].
3. Arslan, İbrahim ve Yapraklı, Sevda (2007), *Economic Effects of Free Trade Zones: A Field Study Related to the Impact of Gaziantep Free Zone*, *Gaziantep Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi*, 6(2) [in Turkish].
4. Asadikia, Behnaz (1995), *The Green Book of Azerbaijan*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs [in Persian].
5. Aşık, Ahmet (2011), *Ukraine and Georgia on the Changing Geopolitics of Black Sea and its effects on the security of Turkey*, *HARP AKADEMİLERİ /SAREN* [in Turkish].
6. Ataee, Farhad (2012), *Iran and the Countries of the South Caucasus*, *Journal of Central Eurasia*, No 10, Pp 119-136[in Persian].
7. Bayramov, A (1998), *Foreign Economic Relations: a firm foundation for the future development*, Bakı: Xalq Gazetesi [in Azerbaijani].
8. Beheshtipour, Hasan (2007), *Armenia-Iran: Looking to the Future Prospects*, *Iran Newspaper* [in Persian].
9. Benli, Ayşe Oya (2007), *Georgia Country Report*, [In Turkish], İGEME (T.C. Başbakanlık Dış Ticaret Müsteşarlığı) [in Turkish].
10. Cowen, Deborah & Smith, Neil (2009), "After Geopolitics? From the Geopolitical Social to Geo-economics", *Antipode*, Vol. 41 No. 1.
11. DEİK, (2003), *Azerbaijan Country Bulletin*, www.deik.org.tr [in Turkish].
12. DEİK, (2007), *Azerbaijan Country Bulletin*, www.deik.org.tr [in Turkish].
13. DEİK, (2012), *Georgia Country Bulletin*, www.deik.org.tr [in Turkish].
14. ESEN, Bora (2011), *Georgia Country Report*, İGEME (T.C. Başbakanlık Dış Ticaret Müsteşarlığı) [in Turkish].
15. Gül, Cengiz (2007), *Investment in Azerbaijan is Advantageous*, *Ekonomik Forum* [in Turkish].
16. Haywood, Robert (2004), "Overview of Globalization and the Impact of Free Zones", *World Economic Processing Zones Association Evergreen*, Colorado, USA, No. 3 Ver. 1. Available at: <http://www.wepza.org>.
17. İnan, Derya (2007), *Competitive Advantages of Export-Oriented Production in Turkish Free Zones*, A Thesis Submitted to the Graduate School of Social

- Science for the Degree of Master of Art in Economy, Marmara University [in Turkish].
18. İnan, Şükrü (2011), "Goeconomics Studies in the world and Turkey and Goeconomics Education", *Bilge Strateji*, Vol 2, No 4[in Turkish].
 19. Javadi-e Arjomand, Mohammad Jafar & Dolatyari, Yazdan Kikhosro (2012), Geopolitical analysis of the relations between Iran and Armenia in the framework of Anderson Theory, *Geopolitics Quarterly*, Vol 8, No 2, pp 192-223[in Persian].
 20. Khachaturian, Haroutiun (2002), Armenia deepens this with embatted, *Eurasia insight*.
 21. Khanna, Parag (2012), "Understanding Geo-Economics and Strategy: Introductory Thoughts", *Geo-Economics and Strategy Seminar - A New Era of Geo-Economics: Assessing the Interplay of Economic and Political Risk*, IISS-Middle East, Manama.
 22. Książopolski, Krzysztof M (2012), "The Geo-Economics of Climate Change Regime – Polish Perspective", *Studia i Prace WNEiZ*, No. 29.
 23. Minassian, Gaidz (2008), Armenia, a Russia output in the Caucasus, Russia/NIS Center.
 24. Moazami-e Gudarzi, Parvin (2007), Economic Relations between Iran and Georgia, *Monthly Magazine of Events and Analysis*, Tehran: Office of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs, No 210 [in Persian].
 25. Momeni, Mirghasem (2005), Study the Outlook of development in Azerbaijan, Tehran, Institute for Strategic Studies [in Persian].
 26. Novikova, Gayane (2000), Armenia and the Middle East, *Middle East Review of International Affairs*, Vol 4, No 4.
 27. Olikier, Olga & S. Szayna, Thomas (2003), *Faultlines of Conflict in Central Asia and the South Caucasus*, United States Army RAND Arroyo Center.
 28. Polat, Inci (2012), *The Relationship between Strategic Orientation and Business Performance in the Free Zones Businesses*, A Thesis Submitted to the Graduate School of Social Science, Gaziantep University.
 29. Poordadash, Amir (2008), Establishment of Free Trade Zone and its Spatial Impact on the Expansion of Julfa, MSc thesis in geography and urban planning, Tabriz University [in Persian].
 30. Sadeghzadeh, Kaweh (2008), Iran's Strategy in the South Caucasus, *Caucasian Review of International Affairs*, Vol 2 (1).
 31. Sarmayeh Newspaper (2007), Armenia's economy victimized by financial political corruption [in Persian].
 32. Şen, Esin (2005), Country Profile of the Republic of Azerbaijan, *İGAME* [in Turkish].

33. Shakeri, Abas & Salimi, feridun (2005), Factors Affecting Investment in Chabahar Free Zone and Prioritize them Using a Mathematical Technique AHP, Economic Research Journal [in Persian].
34. T.C. Başbakanlık Gümrük Müsteşarlığı (2010), Exports by Countries, http://www.tuik.gov.tr/PreIstatistikTablo.do?istab_id=624[in Turkish].
35. Taghavi-e Asl, Ata (2005), Iran's New Geopolitics: from Kazakhstan to Georgia, Tehran, Center of political and international studies [in Persian].
36. Tavil Alsirt, Figen (2009), Reconstruction of georgia in the post independence period and Georgian-Turkish relations in this process, Atılım Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Uluslararası İlişkiler Anabilim Dalı, Yüksek Lisans Tezi.
37. Tehran Chamber of Commerce, Industries, Mines & Agriculture, Iran's foreign trade statistics during 2001-2013[in Persian].
38. Tehran Chamber of Commerce, Industries, Mines & Agriculture, Statistics of Iran's Trade Relations [in Persian].
39. TREWG, (2005), Azerbaijan Report, Under the leadership of Center for Global Peace of American University [in Turkish].
40. Valigholizadeh, Ali & Allahverdizadeh, Reza (2010), Geopolitical-Geoconomical Viewpoint to Aras Free Zone, Geopolitics Quarterly, No 18, Pp 151-183 [in Persian].
41. Valigholizadeh, Ali (2009), Study Economic Advantages of Iran for the CIS countries and ..., Research Project, Aras Free Zone [in Persian].
42. Valigholizadeh, Ali (2011), New Relations between Ankara - Baku in the Geopolitical neglect of Iran, <http://www.tisri.org/default-760.aspx>[in Persian].
43. www.atlas.media.mit.edu.
44. www.eclac.org.
45. www.tradingeconomics.com.